پرچم

دارنده و نویسنده کسروی تبریزی

بهای اشتراك
سالانه ۲۰۰ ریال شش ماهه ۱۰۰ ریال
سه ماهه در همه جا ۵۰ ریال

بهای آگهی
هر سطری : صفحه دوم ۴ ریال صفحه سوم ۳ ریال
صفحه چهارم ۲ ریال

جای اداره
خیابان لاله زار کوچه مهران پاساژ بختیاری
تلفن ۶۰۲۶
تك شماره ۵۰ دینار

سال یکم شماره ۱۵۸ — شنبه ۱۰ مرداد ماه ۱۳۳۱

باید در اندیشه آینده باشیم

— ۲ —

انبوهی از ایرانیان این را عادت خود قرارداده که از حال و پیشامد گله کنند و بنالند ولی ...هیچگاه در اندیشه کوشش و چاره نباشند. این نتیجه درسیست که در سی سال گذشته از روزنامه ها ...خته اند. می‌آیند و می‌نشینند وسر گفتگو را باز میکنند؛ و دردها و گرفتاریها را بتقریر می‌آورند. ... همینکه گفته میشود که باید دست بهم داد و چاره ای کرد در آنجاست که صدسستی از خود نشان ...ند. در آنجاست که آدم می بیند ... بختها تنها گله و ناله را میخواهند وبهیچگونه کوششی تن ...خواهند داد.

...سانی روبرو نگردم؛ روزی نیست که چنین سستی وپستی ...م. همین امروز کسی بنزد من آمده بگله می پردازد که فلان بازرگان ...ی گرانی خواربار میخرد وانبار می کند و دانسته نیست اینها را برای که میخرد؟!. ... نیست چرا دولت جلوگیری نمی کند؟!. آیا با اینحال آینده زندگانی ما چه خواهد بود؟!.. از اینگونه، گله هافراوان میکنند وآنگاه از من درخواست میکنند که اینها را در روزنامه بنویسید. می گویم: ...بارها نوشته ایم و سودی نداده، یگانه چاره آنست که کسانیکه دلسوزی مینمایند اجتماع کنند و یك نیرویی پدید آورند و رشته کارها را بدست گیرند. با یکحال نیمه شرمندگی می گوید: « راست می ...رمایید، ولی برای اجتماع هم باید کسی پیشرو باشد و مردم را برسرخود گردآورد ». می گویم: دیگر پیشرو چگونه باید باشد؟!.. ششماه است ما این روزنامه را آغاز کرده ایم و در اینمدت پیاپی دعوت میکنیم که بیایید باما همدست گردید، ازدور و نزدیك با ما همراهی کنید. اینها را پیاپی مینویسیم و پیاپی خطر های آینده را یاد آوری می کنیم. آیا اینها پیشروی نیست؟!.. مگر شما میخواهید کسی بخیابانها بیفتد و جار زند ویا بیکایك شما نامه نوشته دعوت نماید؟!.. اینها را می شنود و چون پاسخی پیدا نمی کند سرش را پایین انداخته خاموش می شود وپس از زمانی برخاسته می رود ــ مانند این داستان بسیاراست.

حقیقت آنست که عقیده بقضا و قدر و دلبستگی بجبریگری عزم و اراده اینها را کشته است. بدبختها تا خطر را در نزدیکی خود نبینند بتکان نخواهند آمد و در چنان هنگامی نیزچاره دشوار خواهد گردید.

بایدآشکاره بگویم: چنین مردمی شایسته زندگی نمی باشند. درچنین روزگاری که توده ها سخت ترین نبردها میکنند و مردان و زنان و پیران و جوانان دست بهم داده درآسمان و زمین، در زیر دریا و درروی آن جنك وخونریزی میکنند، یکچنین مردم سست نهاد و بی اراده ای سرنوشتی جز لگدمالی درزیرپای دیگران نتوانند داشت. بایداینها را آشکاره بگویم و حقایق را پوشیده ندارم.

بدانید ای ایرانیان: شما سرکلاه راگم کرده اید. بدانید شما سررشته را از دست داده اید. بدانیدشما از آیین طبیعت مستثنی نخواهید بود. بدانید اگرتکانی بخود ندهید و خردمندانه بچاره نکوشید مقهور حوادث گردیده آسمان برشما خون نخواهد گریست.

خودتان نیك اندیشید که اگرجنك باین کشور برسد و ایران میدان هجومهای هوایی و زمینی گردد، شما با این بی سروسامانی، با این پراکندگی، با این کینه ها و تفرقه ها، بااین بیرحمیها و سنگدلیها بچه حالی افتید؟.. باچه حوادثی روبرو گردید؟.. پیشآمد شهریور ماه سال گذشته یك نمونه کوچکی بود ویاد بیاوریدکه در نتیجه چند ساعت جنك چه نا بسامانیها پدید آمد.. چه سختیهایی رخ داد؟.. آن سر لشگران بودند که بصد بیغیرتی عده های خود را رها کرده بگریختند، آن کردان و شاهسونان و بویر احمدیها بودند که بیدرنك بتاراج و راهزنی پرداختند، آن روستاییهایش بودند که براه آهن ریخته وپلهایش کشیدند، آن شوفرها که در هرکجا کامیونها را درمیان راه گزارده خودجان بدر بردند. آن بازرگانان و بازاریان بودند که بیدرنك خواروبار و کالا را در انبار ها پنهان ساختند ــ هنوز فراموش نگردیده کهچه هنگامه ای بود.

کنون بیندیشید که آینده چه خواهد بود؟.. بیندیشید و این سستی وبی عزمی راکنار گزارده بیایید دست بهم دهیم واز امروز بچاره کوشیم. بیایید باجانفشانی و پاکدلی خودرا برای حوادث آماده گردانیم. نگویید کسی پیش نیفتاد. نگوییدکسی ما را بهمدستی دعوت نکرد، ما اینك پیش افتاده‌ایم و برای هرگونه کوشش و جانفشانی آماده می باشیم، ما اینك شما را دعوت میکنیم.

بدخواهان مشروطه



ضرغام و ارشد

ضرغام و ارشد دو تن از سر‌کردگان سوار قره داغ بودند که هر دو برادر بدلیری و جنگجویی نام بردار شده بودند و در جنگهایی که پس از بمباران مجلس در میان محمد علیمیرزا برخاست این دو برادر با سواران خود بکمك نیرو های دولتی آمده در جنگها شرکت داشتند و بیشتر از دیگران بیباکی و دشمنی نشان می دادند.

عکس بالا آن دو برادر را با جمعی از تفنگچیان خودشان در همان روزهای جنك تبریز نشان میدهد. آنکه از دست راست نشسته ضرغام (محمد حسین خان) و آنکه از دست چپ نشسته ارشد (سام خان) میباشد.

شیخ خزعل خان

وکارهای او

— ۵ —

یکی ازحوادثی که در همان ابتدای کار بر شکوه و بزرگی خزعل افزود این بود که درسال ۱۳۱۶ (قمری) شیخ جعفر شیخ‌المشایخ فلاحیه از پرداختن مالیات خودداری نموده با دولت نافرمانی آشکار ساخت.

والی خوزستان که در واقع حاکم شوشتر و دزفول و رامهرمز بیش نبود لشگر بر سر اوبرده او را دستگیر ساخت و مربعی نامی را بجای وی «شیخ‌المشایخ» گردانید. لیکن چون در اینهنگام شیخ خزعلخان کوشش داشت که فلاحیه نیز دردست او باشد و ازآنسوی مربعی با دست کسانی کشته گردید میرزا علی اصغر خان اتابك فرمان شیخی فلاحیه را برای خزعل فرستاد وبدینسان خانواده حاجی جابرجانشین خانواده شیخ المشایخ هاگردید وشیخ خزعل بهمگی عشیره های کعب ریاست یافت و این یك جایگاه بزرگی درپیش عربها بود

لیکن هنوز دیگر عشیره‌ها در زیر دست والی خوزستان (یاحاکم شوشتر) بودند که مالیات خودرا باومیدادند وعادت چنان بود که هرسال بیگلربوالی خوزستان بحویزه میرفت وهمگی مشایخ بآنجا در می آمدند و هر یکی مالیات عشیره خود را می پرداختند.

ولی در زمان مظفر الدینشاه همینکه دو سه سالی از پادشاهی او گذشت دولت بسیار ناتوان گردید ودرهمه جاگردنکشان بگردنکشی افزودند درخوزستان نیز رشته از هم گسیخت و ناامنیهای سختی پیدا شد. از جمله در شوشتر که آنروز پایتخت خوزستان شمرده میشد آشوب پدید آمدو رشته بدست «آغاوات» افتاد.

این آغاوات (یا آقاها)داستان درازی داشتند اینها اززمان کریمخان پیدا شده و کویهای شوشتر را درمیان خود تقسیم کردند که در هر کویی یك آغایی فرمان میراند و برای خود دیوانخانه داشت وتفنگچیانی داشت. کویها درمیانه سرحدی داشتند وسنگرهایی داشتند. هرچند زمان یکبار شهر را بهم زده و بایکدیگر بزد و خورد بر میخاستند. شهر کوچك شوشتر که همه مردم آن از زن ومرد وبزرگ و کوچك بچهارده هزار تن نمیرسیده (از روی سرشماری که در زمان ناصرالدینشاه کرده شده) بدوازده بخش شده و هر بخشی - یا بهتر گویم هر کویی - برای خود استقلال داشت.

هر زمان کهدولت توانا میگردیدو یکحکمران کاردانی بخوزستان می‌فرستاد این اغاوات پی کار های خود می‌رفتند وهر زمان که دولت ناتوان می گردیداینان بآشوب برخاسته هر کسی در کوی خود باستقلال فرمان میراند.

در زمان مظفرالدینشاه نیزاینها سربرآوردند و نیرومند گردیدند و رفتارشان با حکمرانان که ازتهران می‌آمدنداین بود کهچون یکحکمرانی میرسید نخست فرمانبرداری آشکار ساخته آرام می‌نشستند ولی سپس فرصت یافته یك روزی می‌شوریدند و اورا با رسوایی بیرون می کردند ودر چنین هنگام ها گاهی دولت سرکوب آن اشرار را بشیخ خزعل محول میکرد واوفرصت را غنیمت شمرده یکدسته ازکسان خودرا بر سر شوشتر می فرستاد که بهواداران شیخ مهربانی وپشتیبانی نمایند وبدیگران گزند و آسیب رسانند و بدینسان نفوذ اورا در شوشتر بیشتر گردانند. بارها اینگونه وقایع رخ میداد و باعث پیشرفت مقاصد شیخ می شد

همچنین درباره اعراب هرکدام که نافرمانی می نمودند شیخ هوا داری نشانداده و یکدسته از عربهای خود را همراه سپاهیان دولت برسر آنان میفرستاد که در بیرون کمك بدولت می‌نمودند و در درون بپیشرفت نفوذ شیخ میکوشیدند. گاهی نیز یك عشیره‌ای چون مالیات نمیداد شیخ بدولت پیشنهاد میکرد که مالیات آن عشیره راجزو جمع او گردانند و دولت این پیشنهاد را باخشنودی می‌پذیرفت واز آنسوی شیخ همان را وسیله قرارداده شیخ آن عشیره را بر کنار ساخته یکی از کسان ... بآنان شیخ بر میگماشت ... زیر دست خود میگردانید

نگارش آقای واعظپور

— ۱۰ —

آزادگان

۲ ــ تشکیلات آزادگان پس از شهریور ۱۳۲۰

یك نکته مهم دیگر آماده نبودن ایرانیان بحکومت مشروطه است. حکومت مشروطه یعنی سررشته داری خود توده است وبایدمردم معنی آنرا بدانند وخود رابرای چنان حکومتی آماده گردانند و شایسته آن باشند. فرق مشروطه با استبدادتنها در بودن و نبودن قانون و یـا در شکل حکومت نیست. یکفرق بزرك در شایستگی و نا شایستگی مردم است. در حکومت استبدادی رشته در دست یك پادشاه یا یك دربار است و مردم زیردستند و مسئولیتی ندارند ولی در حکومت مشروطه رشته در دست خود مردم است و خود آنـان مسئولیت دارندو اینست باید یکایك ایشان بکوشش درراه کشور و تودهو بجانفشانی آماده باشد و درهر گامی که برمیدارد و هر کاریکه میکند سود کشور را بدیده گیرد.

هنگامیکه یك توده شورش میکنند و پادشاه مستبدرا ازمیان‌خود بیرون می کنند معنایش اینست که تو برو ما خودمان این کشوررا اداره خواهیم کرد، و سپس همگی آنان، از بزرك و کوچك و از مرد و زن با یکدیگر پیمان می‌بندند که‌دست بهم داده کشور را راه ببرند و اداره کنند ودرراه نگهداری آن‌جان‌دریغ نگویند، اینست‌معنی درست مشروطه. امروز در ایران انبوه مردم اینها را نمیدانند و بدیهیست که برای چنان کوشش وجان فشانی در راه کشور آماده هم نیستند. بلکه‌امروز در ایران دسته‌های انبوهی هستند که اگر در نزد ایشان‌این گفتگو‌شود‌ریشخند نمایند و بسیاری از آنان آشکاره باکشور دشمنند و نابودی آن را میخواهند.

اینست امروز در ایران مهمترین کار آنست که یکدسته دست بهم دهند که از یکسو مشروطه را در برابر آن کج اندیشیهای‌جوانان و دیگران نگه دارند و از یکسو معنی درست آن را درمیان توده نشر دهند و مردم راآماده آن گردانند.

این بودخلاصه گفته‌های آقای کسروی در آن جلسه. پس‌ازاین گفته‌ها یکرشته‌سخنانی‌ازهرطرف گفته شد وبالاخره نتیجه آن گردید که امروز ما باین کار بر خیزیم که یك جمعیتی باشیم وازدور ونزدیك دیگران را باخود همدست گردانیم و کار ماآن‌باشد که در برابر هوسبازیهای جوانان‌ودیگران که از مشروطه سیری نشان میدهند و نغمه های بیجای دیگری می سرایند ایستادگی نشان دهیم وهواداری ازمشروطه وسررشته‌داری توده کنیم و آنگاه‌بکوشیم‌معنی‌درست مشروطه را درمیان‌مردم رواج‌دهیم وآنان رابرای‌چنین‌زندگانی سرفرازانه شایسته وآماده گردانیم. همچنین بنگه داری این اساس کوشیده از بازگشت استبداد ودیکتاتوری جلوگیری کوشیم.

اینکاورا بنام غیرت ایرانیگری وبه تعصب هم میهنی باایرانیان انجام دهیم. نیزیکرشته‌اصلاحاتی را در باره بازرگانی و کشاورزی و خانه داری و دیگر شئون زندگانی در نظر گرفته ذهنها را با آنها آشنا گردانیم. رویهمرفته یك جمعیتی که کار آن آموزگاری توده وآشنا گردانیدن ایشان با حقایق زندگانی وراهنمائی باایرانیان در چنین هنگام گرفتاری و نگهداری کشور از آشوب ودیکتاتوری باشد.

پس از این گفتگوها مقاصد جمعیت درشانزده ماده‌تدوین گردیدو‌قرار‌شدنام‌این‌جمع «آزادگان»

باشد ونخست در تهران بـه پیمانیان شکل جمعیت داده شده وسپس بشهرهائی کـه پیمانیان در آنجا هستند آگـاهی داده شد که همین کار را کنند و مخصوصا بهمگی‌این نکته یادآوری‌شد که‌باید راه این جمعیت تصرف در اندیشه ها وعقیده ها بـاشد ویك کسی را تاآز هر باره با ما هم اندیشه نباشد بپذیرند وباجتماع صوری اکتفا ننمایند. این‌است تاریخچه تشکیل آزاد گان پس از شهریور مـاه ۱۳۲۰. کنون‌خوانندگان ببینند که‌چه حرفهائی را باجمعیت های دیگر دارد ومخصوصاً مقاصداین جمعیت را باندیشه سپارند.

بطوریکه می بینیم احزاب دیگر برای گرد آوردن مردم وجلب نظرشان جملات چندی‌ازقبیل پائین آوردن سطح زندگانی، ضبط اموال شاه سابق، یا کوتاه کردن دست هـای عمال دوره دیکتاتوری از کارهای عمومی وغیره بهم بافته نام آن را مرامنامه میگذارند باافکار وعقاید مردم را در نظر نگرفته تنها میخواهند هرجوری است عده جمعیت خود را زیاد نموده ویا بیشتر از عده حقیقی جلوه گر نموده یاراه انداختن‌هایهوی وجاروجنجال بقول خودشان ابراز احساساتی کنند ویك نتیجه‌از آن احساسات برداشته یا نه کاری نداشته باشند.

ولی آزادگان دراین کار خود بهیچوجه‌نظر مردم فریبی‌وظاهر سازی‌را نداشته بلکه‌همانطوری که گفتم‌چیزهائی را که‌جامعه ایرانی لازم دارد و باید بفهمد کارهائی را که بصلاح و چاره دردهای آنست درمیان مقاصد خود گنجانیده است. درتهیه همراه هم‌به اجتماعات بیخود و حوزه بندیهای‌نابجا اهمیتی‌نداده بلکه‌میخواهدتکان بفکرهای‌مردم داده ازراه وحدت فکروعقیده همراهانی بدست‌بیاورد.

جمع شدن کسانی دریکجا که هیچگونه‌وحدت فکری ندارند ومقصود مشترکی آنها را بهمدیگر مربوط نکرده است نتیجه ندارد اگر نتیجه‌داشت درحقیقت ۱۵ ملیون نفوس ایران یا هفتصد هزار تن ساکن تهران دریکجا جمع هستند و گرد هم نشسته اند و بایستی گرفتار هیچ نوع ستم نشوندو نگذارند حق آنها راکسی پامال بکند وحال‌آنکه می بینیم اینطور نبوده و حاصلی از این دور هم نشستن بدست نیامده است.

پس نیکی هائی که هست دریکی بودن فکر و عقیده هاست وپس ازآن در دست بهم دادن و متحد شدن آنان.

همان کسان همفکر هستند که برای آرمان مشترکی دست اتحاد بهم میدهند و پس از آنکـه قوی و پرزور شدند دیگر هیچ قوه ای قادر بـه ناتوان‌کردن آنها و ربودن حق آنها نمی شود و دربرابر آنان بجز از تسلیم شدن چارهٔ نمی بینند و آنوقت یدالله‌فی‌الجماعه ظاهر گردیده ودست‌خدا همراه همان جمعیت میشود.

آزادگان علت گرفتاری ایرانیان راآلودگی های‌خود آنان دانسته مثل سایرین تقصیر رابگردن دیگران نمی اندازند، واینطور عقیده دارند کـه تا انسان خودش را اصلاح نکرده قادر به اصلاح دیگران نیست و تاعلل بدبختی از میان نرفته و چاره آلودگیها نشده است ممکن نیست کارایران سروسامانی گیرد وایرانیان ازقید اسارت وبندگی رهایی یابند.

اینست که هرآزاده کوشش میکند نخست خودرا اصلاح کرده و خوبهای پلیدی را که دارد ازخود دور کرده پس از ... بپردازد.

آزادگان باید مانند ...
رفقا ...

نمونه‌ای از گمراهی توده انبوه

چندی پیش شرحی که ازآمل در باره معجزه دریوسف‌رضا نوشته بودند درپرچم بچاپ‌رسانیدیم. چنین پیداست که افسانه نامبرده کارش بالا گرفته و برای مردم بیسواد بدبخت دهات مازندران مایه مشغولیتی‌گردیده و چون شرح دیگری درآن‌زمینه از یکی از آشنایان رسیده و خود نمونه ای‌از پندار پرستی و گمراهی توده انبوه ایرانست ... اینجا می‌آوریم:

مردم شیوع‌داده بودند که روی مقبرهٔ یوسف رضا یك چراغی هست که بدون نفت روشن میشو... یکی از دوستان شنیده این حرف را به من گف... گفتم دروغ است و این شدنی نیست وبرای‌اثبا... حاضرم همانجا رفته و نشان دهم لذا جمعهٔ گذشت... بـاتفاق خود او بمحلی کـه امام رضا آنجا بو... (بدروغگو لعنت) رفتیم.

اولا جمعیتی بیشتر از سه هزار نفر در آنجا بودند که از ساری وگرگان و بابل سر وبابل و سولده و محمود آباد تاآنشهر و توابع دهات آمل برای زیارت بآنجا آمده بودند چه هرزگی در آنجا مشاهده میشد بماند. در آنحال یکنفر از رعایای قریه بوران که من او را می شناختم و با ما سوار اسب می‌آمداسب را در آن محوطه بسته و برای زیارت به مقبره رفت‌پس از نیمساعت اسب مفقود الاثر شد همه اینها بماند با همراهی آ... ...ست خود توی مقبره رفتیم اولا از گرما و ... ...گی اطاقی بود بطول ۳ متر و عرض ۳ م... ...ش قبر و روی قبر چراغی ده لامپ شیش... و در آن جن نفتی آورده و چراغ را با نفت پر کردند دروغ اهالی به‌آن دوستم اثبات شد در این اطاق کوچك جمعیت از مرد و زن پر و خدا میداند عوض زیارت چه کارهائی میکردند و من حیا میکنم اسمش را بیان کنم و هرشخص که وارد میشود پیر زن متولی آنجا هست و صندوقی در پهلوی خود گـذاشته مردم پول توی صندوق میریزند عجب تر اینجا است همانروزیکه ما آنجا بودیم دزد پاك طینت پولهای جعبه را زد پیر زن بیرون آمده داد وبیداد کرد دزد فرار کرد و کسی او را نتوانست پیدا کند من به پیرزن گفتم خوب عیبی ندارد امام رضا دزد را پیدا میکند شما بامام بگوئید دزد فوراً پول شما را میدهد جواب گفت البته ولی اهمیتی ندارد در راه امام بگذار این دزد پدرسوخته ببرد هر روز از قراء و شهر های اطراف اقلا دوهزار نفر بلکه بیشتر بآنجامی‌روند معلوم است پیر زنه دارای چقدر پولی خواهد شد اگر هر نفری دهشاهی میدهند حسابش معلوم است عجب ترآنجا که این پیر زنه دو پسر دارد که اول در آنجا نوحه خوانی میکردند بعداً شهربانی آمل از ایشان التزام گرفت که شما حق رفتن به آنجا ندارید فقط باید مادر شما متولی آنجا باشد الان دو برادر بدهات میروند جار می کشند که امام رضا در بقعهٔ یوسف رضا دائماً ماندنی است و عنقریب قفل طلائی حرم امام رضا اینجا خواهدآمد لذامثل زمان‌قدیم که برای زیارت‌میرفتند وچاوش همراه داشتندروز پنجشنبه عدهٔ بالغ به دویست نفر از اطراف آمده و با چاوش و خواندن از آمل گذشتند و به یوسف رضا برای زیارت رفتند.

گزارش کشور

در بارهٔ کابینه

از روز پنج شنبه که آقای سهیلی استعفای خود را اعلام داشتند آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی برای اینکه این بحران در این موقع سخت ووضع فوق العاده ادامه پیدا نکند وهر چه زودتر تکلیف خود و دولت را معین کنند بفکر چاره جوئی افتادند. بدواً پس از مذاکراتی که بعمل آمد آقای مؤتمن الملك را برای نخست وزیری در نظر گرفتند و باینجهت عده از نمایندگان بمنزل ایشان رفته و با ایشان مذاکره نمودند متاسفانه یاخوشبختانه بدلایلی ایشان از قبول مسئولیت تشکیل کابینه خودداری نمودند تا اینکه قرار شد صبح امروز در جلسه خصوصی تصمیم گرفته شود .

در جلسه خصوصی صبح امروز پس از مدتی مذاکرات در اطراف آقایان سهیلی و قوام بالاخره قرار بر این شد که رای مخفی گرفته شود و نظر مجلس نسبت بهریك از آقایان معین شود .

پس از گرفتن رأی مخفی ۵۱ رای اعتماد بآقای قوام و ۲۷ رای بنام آقای سهیلی در آمد و قرار شد که تصمیم و رای مجلس در باره آقای قوام به عرض اعلیحضرت همایونی برسد چنانچه قبول فرمایند و آقای قوام حاضر شوند کابینه را تشکیل داده و وزراء خود را معرفی نمایند .

زلزله شدید در کرمان

خبر تلگرافی کرمان حاکیست که بریشب مقارن دوساعت بعد از نصف شب زلزله شدیدی در کرمان روی داد ولی بحمدالله خسارت و تلفاتی روی نداد

زمین لرزه مختصر

از رفسنجان خبر میدهند که بریشب ساعت بیست و چهار زمین لرزه مختصری حادث شدولی خسارتی وارد نکرد .

ورود و حرکت

از اراك خبر میدهند که آقای ابوالحسن وثیق رئیس ثبت که درمرخصی بودند وارد اراك ومشغول کار شده اند . آقای محسنی پور رئیس کشاورزی بریاست کشاورزی گرگان منصوب شدند و کفالت کشاورزی اراك رابمهندس جاوید مهنتاش واگذار کرده و حرکت نمودند .

ورود بازرس

از سبزوار اطلاع میدهند که آقای عامری رئیس هیئت بازرسی وارد آنجا شده و در اداره دارائی مالی و اقتصادی مشغول بازرسی میباشند .

ورود استاندار

از تبریز خبر میدهند که روز هفتم مرداد آقای فهیمی استاندار آذربایجان شرقی وارد تبریز شدند .

برنامه گفتارهای رادیو تهران

روز یکشنبه ۱۱ مرداد ۱۳۲۱

ساعت ۶.۵۰ گفتار ورزش و تربیت بدنی در باره سواری و فوائد آن .

ساعت ۵ـ۱۳ گفتار تاریخ در باره روابط دربار ساسانی با طبقات مختلف کشور .

ساعت ۱۹ ـ گفتار اخلاقی درباب علاج فقر مادی و معنوی

ساعت ۲۰ ـ ۲۱ سخنرانی آقای دکتر محمود نجم آبادی کارمند کمیسیون پزشکی فرهنگستان ایران در باره بیماری سفلیس .

تلگراف از آبادان

جناب آقای نخست وزیر رونوشت آقای وزیر کشور رونوشت مجلس شورای ملی رونوشت سفیر کبیر دولت پادشاهی عراق رونوشت روزنامه پرچم شهرداری خرم شهر تحریك جلال موقر در سنه ۱۷ از هر کدام یکباب خانه ملکی با اثاث بیت غارت نموده اند و ملك بتصرف موقر داده شده شکایت بی شمار به تمام مقامات نموده ایم وبوسیله مطبوعات این اجحاف منتشر دستوراکید باستانداری شش صادر مصباح فاطمی وقعی نمیگذارد در این باب بذل توجه فرمائید بکلی تلف شده ایم صبی های خرم شهر خفیر شادر .

ایران باکمی نفوسی که دارد لامحاله بباید کاری بکند که حد اکثر استفاده را از نفوس کم خود ببرد متاسفانه در این خصوص هم ترتیبی اتخاذ گردیده است که عده بیشتری از نفوس ایران در نتیجه نبودن تعلیم و تربیت حسابی وجودشان برای کشور بلا استفاده گردیده است .

مثلا نصف نفوس ایران را که زنها تشکیل میدهند چون افکار وعقایدشان غیر ازافکار وعقاید مردهااست اینست که همیشه آنان را ازنظراجتماعی بادیده دیگری مینگرند .

اشتباه نشود ما طرفدار این نیستیم که زنها نیز در کارهای مردان شرکت کنند و در کار های [illegible] یا امور پارلمانی و غیره دخالت [illegible] برای خانه داری و جهت آراستن [illegible] برای [illegible] روش دادن نوباوگان [illegible] است

ششمین جلسه محاکمه مختاری

سه ساعت ونیم پیش ازظهر دادگاه تشکیل شد آقای رئیس ـ منصور وقار

شما متهمید مطابق ادعانامه دادسرای دیوان کیفر بمعاونت درقتل مرحوم سید حسن مدرس در شب ۱۵ دیماه ۱۳۱۵ در کاشمر بگناه خود اعتراف دارید؟

بنده بیگناه و بی تقصیرم

شما در آنموقع چه سمتی داشتید ؟

بنده رئیس شهربانی خراسان بودم ومقرم مشهد بود .

کاشمر جزو حوزه شما بود بله بله

شما از کسالت مدرس خبر داشتید ؟

خیر بنده بتجدید و مرور اطلاع حاصل کردم زیرا تبعیدشدگان زیادی بودند مانند خانواده های اسدی وغیره ونیز سلف بنده سرهنك نوائی منتظر تحویل شهربانی ببنده نشد

محمود مستوفیان می گوید که اطلاع دادم .

همانطور که درپرونده است بعداً گزارش رسید

شما چرا از بردن پزشك برای مدرس جلوگیری کردید ؟

بنده برحسب وظیفه عین تلگراف را بتهران فرستادم . جوابی نرسید ؟ خیر

چقدر بین دو تلگراف فاصله بود

تقریباً چهار روز

در تلگراف گفتند چه مرضی دارد ؟

خیر عین تلگراف هست

رفتن جهانسوزی برای بازرسی بامر شما بود

خیر چنانچه درتحقیقات هم گفته ام بامر من نبود ، زیرااولا بنده ازطرز ترتیب کارجهانسوزی خوشحال نبودم و رویه او را غیر از رویه خودم میدانستم و همانطوریکه گفتم موقع عزیمت بمشهد پاکتی داد مختار بمن که بجهانسوزی دادم و پاکت لاك ومهر شده بودهمینقدر نظرم میآید که مختار گفت باو بگو شما در دو امر مخیر هستید

بیانات مختار را شما دیروز وپریروز شنیدید او میگفت بازرسی جهانسوز باید برحسب پیشنهاد منصور وقار باشدومن دخالتی نداشتم

بنا بمعمول باید کسب تکلیف شود و چون اوپاکت رافرستاده بوددیگرلزومی نداشت که دومرتبه کسب اجازه شود

برای او هم حکمی صادر کردید ؟

بله واین برای خرج سفر وفرمالیته اداری بود

نفهمیدید بازرسی برای چه بود ؟

نمیدانم زیرا مختار از دست من عصبانی بود وگمان میکردم جهانسوزی برای زمینه سازی رفته

حبیب خلج را چرا فرستادید ؟

حبیب خلج که هیچ من هیچکدام را نمیشناختم وجهانسوزهم معاون اداره بود واو هم پلیس ملبس بلباس بود ومیتوانست همراهش ببرد .

جهانسوزی درمراجعت گزارشی بشما داد ؟

یك کیلومتر های راه پیمائی را بله ولی برای خرج سفر نه چیز دیگر

ممکن است کسی برای بازرسی برود ورئیس از او سؤالی نکند ؟

بنده چه میدانم زیرا اصلش باجازه من نبودتا چه برسد بفرعش

پس میگوئید مدرس چطور فوت کرد ؟

چه عرض کنم زیرا بنده که آنجا نبودم .

در پاکت نمی دانید چه نوشته بود ؟

خیر بنده که علم غیب نخوانده بودم ؟

چه مانعی داشته کار که بشمار نگویند ؟

بنده نزدیك نبودم که به مختار ومرئوس بودم مقابل رئیس مقتدری و چطور میدانم که چرا بمن نگفته .

چطور رئیس شهربانی کاشمر در موقع شما عوض شد ؟

خیر بنده در آنموقع در اصفهان بودم و تمام اینها قبل از من شده و بنده مستحضر نبودم زیرا تمام اینها پیش ازمن شده

بیانات نوائی و مهاجرانی دیروز خوانده شد شما چه میگوئید ؟

بعد از رفتن بنده بدست مأمورین مخصوص برای او پرونده درست شد و اورا بزندان انداختند و اینها را هم روی غرض گفته وخیال کرده که از طرف من برای او پرونده درست شده

بچه مناسبت شما از جهانسوزی دلخوش نبودید

بنده ازطرز کار اوخوشم نیامد و اورا ازنزدیك نمیشناختم و چون مختار از شهربانی آنجا خیلی شکایت میکرد باین جهت خیال کردم بهتر است او را عوض کنم

بنابراین اظهاراتی که شما می نمائید معلوم میشودکه یك امر مخفی دربین بوده است در موقع بازرسی جهانسوزی ؟

چون سابقه درخراسان نداشتم مطلب راساده تصور کردم

بهیچوجه ازمقدمات این امر خبر نداشتید ؟

خیر قربان بنده ۸ الی ۱۰ سال بود تهران نبودم و ابدا ازجریان او اطلاعی نداشتم

عبدالله مقتدری

[illegible] سوجب دعوی [illegible]

۱۳۱۶ اتفاق افتاده بوسیله مداخله سه نفر معاونت کرده اید وهمچنین درقتل خزعل که درچهارخرداد ۱۳۱۵ رویداده بنابدعوی دادستان دیوان کیفر نیز معاونت داشته اید بدعاوی دادستان تسلیم هستید یا نه

بنده بعلاوه از اینکه خودم را گناهکار ومقصر نمیدانم بحول قوه الهی در همین دادگاه مضافا به اینکه بیگناهی خودرا اثابت کنم امیدوارم حیثیت وشرافت خود را بدست آورم وجبران مافوت را بکنم .

بنابراین تکذیب میکنید؟ بکلی

شما چه سمتی داشتید در شهربانی .

بنده یاور اداره کل بودم

سمت خود را بگوئید؟ اخیراً در ۱۵ و ۱۶ ؟

بنده از سال ۱۳۰۳ و ۴و۵ ریاست گروس و از ۳۰۶ استاراز ۳۰۷ موقع تصدی سرتیپ کوپال رئیس دائره اطلاعات بودم وتاسال ۳۲۰ ۴ در همین پست وهمین سمت باقی بودم یعنی درطرف این مدت بواسطه تفاوت سلیقه آقایان روسا وواژه هائی که هر روزه ازطرف فرهنگستان تاسیس میشد دائره اطلاعات سیاسی دائره اول آگاهی

دائره اطلاعات پلیس بود دائره اول آگاهی بود دائره مهاجرین بود در تمام این دوره تصدی ریاست این مقام راداشتم منتها برحسب سلیقه روسای وقت بهر کدام منتصب میکردم در شغل اخیر بنام دائره اول مهاجرین بود که اسماً بود ولی کاری بمهاجرین نداشت بطوریکه ارداشس نام مرا در خیابان دید وخود را بمن معرفی کرد که وضعم بد است برای مساعدت باو گفتم کارت باکیست گفت نمیدانم گفتم کسیکه با او کار داری اسمش چیست ؟ گفت همینقدر میدانم مقتدی مرا اذیت میکند گفتم من مقتدی هستم من کسی رااذیت نکرده ام چه دراین اواخر وچه در اول، شغل بنده مراقبت کسانی بوده که ازطرف ستاد ارتش و دفتر مخصوص اسمشان را میفرستادند بعضیها محسوس بود و بعضیها محسوس نبود مثلا جناب آقای آهی جناب آقای فروغی جناب آقای جهانبانی ولی نه پرونده تشکیل دادم ونه توقیف کردم مدت بیست وپنجسال در اداره شهربانی شغل داشتم وبشهادت دفتر زندان تابحال بامر من یکنفر نه شلاق خورده نه زندانی شده ونه درداد گاهی از من شکایت کرده بهیچوجه واگر توضیحات بیشتری لازمست عرض کنم ،

پس شما در اداره سیاسی بودید ؟

بنده رئیس دائره اول اطلاعات بودم

خزعل تحت نظر شما زندگی میکرد ؟

چه وقت ؟

درموقع فوت

خزعل پس از قیام مسلح برضد دولت ودست گیری بابك عده جنگی تحت نظر افسران ارتش بود وپس از ۳۰۹ که از آذربایجان بطهران منتقل شدم مراقبت اورا هم از من خواستند ولی بطور کلی تحت نظر سر کلانتری بود اگر توضیحات بیشتری میخواهید بدهم ؟

بدهید .

برای نمونه عرض میکنم کلانتری ۱۱ گزارش میدهد ۲۲ر۶ر۱۴ مینویسد ساعت ۹ وبیست دقیقه صبح شیخ خزعل باتفاق مقتدرالملك ومهندس الممالك ودو نفر دیگر بااتوموبیل شخصی بباغ ییلاقی جعفر آباد ورود نمودند و نیز ساعت ۱۰ سه نفر دیگر بوسیله اتومبیل شماره ۱۷۱ شخصی بدانجا ورود نموده ساعت ۱۵ ازآنجاخارج شدند امضاء کلانتر ۱۱ یاور امین .

آقای رادسر ادیب السلطنه در حاشیه گزارش نوشته اند بشعبه اطلاعات فرستاده شود ملاحظه بفرمائید ادیب السلطنه چرا این گزارش رافرستاده زیرا کلانتر می نویسد بااتومبیل ۱۷۱ سه نفردیگر، چون برای کلانتر میسر نبود که بداند متعلق به کیست رئیس اداره سر کلانتری بمنظور تکمیل گزارش میفرستد بشعبه اطلاعات که آن شعبه بادر دست داشتن وسائل مخصوص و مامورین سری اشخاص را بشناسد نوع دیگر

گزارش ۳۲۹ مورخ ۱۵ر۲ر۱۳ چون مطالبی راجع بچند فامیل است از ذکر آن صرفنظر میکنم راجع است بشیخ خزعل آقای رحیم مجاهد علیقلی ابوقداره حاجی شهاب السلطنه بختیاری حشمت دفتر خانم آقای قوام شیرازی در حاشیه گزارش آقای رادسر نوشته است عیناً ازلحاظ مبارك بندگان حضرت اجل میگذرد

این گزارش چون کامل بود رئیس سرکلانتری مستقیماً بعرض رسانیده البته پس از آنکه قرائت شده باز بدایره اطلاعات آمده از این گزارشات زیاداست درپرونده خزعل در اختیار دادگاه موجود است زیاد است پس اداره اطلاعات برای تکمیل بوده واداره سرکلانتری برای مراقبت بوده ومیتوان گفت تشریك مساعی میکرده اند .

مامورینی که در منزل شیخ خزعل بودند کی بودند وتحت نظر کی گماردهشدند؛ اگر عنایتی به مندرجات پرونده خزعل فرموده باشید تصور میکنم از دفتر مخصوص ابلاغیه بود که بسلسله مراتب می رسید و در اطلاعات تمرکز [illegible] پرسش مرا بدهید مامورینی که [illegible] بودند نظر کدام ادا[illegible] دایره

اطلاعات بطور متوسط درحدود ۱۵۰ الی ۲۰۰ نفر همیشه کار آگاه داشته و اینها طرز خدمت منظمی داشته شعبه در اداره بود بنام نگهبانی تحت نظر صاحب منصبان مخصوص که جمع اینها را تقسیم میکردند وبخدمات مختلفه میفرستادند بنا براین اگر همانروز از بنده سؤال میکردند نمیتوانستم جواب دهم چه رسد بحالا که در نظرم نیست و ۸ سال هم گذشته است .

تصدیق میکنید که هر کدام از آنها که آنجا بودند تحت نظر اطلاعات بوده اند؟ خیر این اداره هم ادارهٔ مستقلی که نبود دائرهٔ بود ازدوایراداره سیاسی وسر کلانتری ـ درشب فوت خزعل شما آنجا رفتید ؟ برای بنده شرم آور است اگر تعجب کنیم از این سؤال زیرا دو نفر خانم خزعل میگویند صبح فهمیدم بنده چطور میتوانم تشخیص دهم که شب فوت کرده . مرك مرحوم خزعل را سردار اجل پسرش گفته است به عقیلی پور و عقیلی پور در پرونده اعتراف کرده که بمقتدی با تلفون اطلاع دادم ولی در پرونده این قسمت را تجزیه کرده اند وقسمتی را که سردار اجل بعقیلی پور گفته مسکوت گذاشته اند فقط تلفن عقیلی پور را متذکر شده اند ولی حالا شاید عقیلی پور بود یادیگری چه عرض کنم .

از واقعه جنك نوکر های خزعل وگرفتاریشان در شهربانی اطلاع پیدا کردید ؟ یکی از گماشته های خزعل در موقع ورود عبدالله باو اهانت نموده وعبدالله او را تنبیه ومامورین پس از شکایت تلفنی بوسیله مامورین شعبه نگهبانی اطلاعات جلب شدندوچون قضیه مهمی نبود بقیدالتزام خص شدند . چه بودموضوع باین کوچکی که همه را آن شب جلب کردید ؟ اشتباه کلی در همین شده زیرا مرحوم دارای ۱۳ دختر ۱۴ پسر بوده و ۵ زن داشته مانند ربابه مانی و ۰۰۰۰ واین پسرها اغلب متاهل بودند وعده از پسرهایش در همان منزل سکونت داشتند باخانواده شان لیستی در این پرونده موجود است که ۷۵ هزار ریال وکسری و ۱۵۰ لیره ماهیانه خزعل حقوق داشت از میزان مبلغ این شیفر که ارزشش بیشتر از حالا بود میتوانیم میزان و تعداد گماشتگان را به شناسیم وعده که جلب شده اند بیشتر از چهار نفر سربائی نبودند واین که تظاهر شده همه گماشتگان را بمنظور تخلیه منزل جلب کرده اند این موضوع از این جا ناشی بوده که خیال کرده اند لابدمثل یك مدیر کل بوده ، درصورتیکه این شخص ادعای سلطنت داشت وتازه کلفتها وزنها که جلب نشدند وکسی که چهل سر موروث دارد باجلب چهار نفر خانه اش تخلیه نمیشود

بنده پس ازقرائت ادعانامه عرض کردم سؤالی دارم از دادستان فرمودید باشد در موقع خود این سؤال آنست که بفرمائید مدافعات بنده روی چه موضوع وبچه نحو خواهد بود آقای دادستان مدعی هستند که خزعل بمرك طبیعی در نگذشته و مرگش طبیعی بوده متن هم خوانده شد وبنده هم بایدجو فرمایشات شما را عرض کنم این ا[illegible] گزارشی است که ربابه گفت وناطـ[illegible] گفت باآنکه در طلیعه نوشته شده

جوبهائی مفصل او را گفت

آخر برای چه کشت کاش میگفتید یکمده مختل الهواس وبیشعور رفته اند تا این اشخاص معاینه پزشکی شوند یا اینکه دزد بوده اند و اینقدر مال برده اند .

بنده نمیدانم چطور دفاع کنم؟ این مرحله تحقیق است بفقط بایست پاسخ سؤالات را داد ودرموقع دفاع هرچه میدانید بگوئید .

بنده هم برای اینکه نحوه دفاعم معین باشد و بدانم چه بگویم میخواستم بپرسم چرا اورا کشته این مربوط به تحقیق نیست .

لتابنابگفته خودتان خزعل تحت سرپرستی شما زندگانی میکرده.

خزعل نه صغیر بوده و نه زندانی که تحت سرپرستی من باشد فقط ما بایدمراقبت میکردیم که ناگهان از تهران خارج نشوند ومعمول چنین بوده وهم کهپاسبان مسلح در خارج ومامور غیرمسلح و سوی در داخل میگماردند مامورین داخل برحسب اجازه بود وخودش تقاضامیکرده ولی مامامورین خارج را فقط می گذاشتیم .

با اظهاری که کرده اید عقیلی پور در شب واقعه در آنجا بوده ؟ بله آنجا بوده ولی واقعه را ندانم مقصود نزاع بود یا فوت . خیر فوت خزعل وعقیلی پور اظهاراتی کرده که تماس با شما دارد وخوانده میشود استدعادارم صفحه ۳۲۲ رابخوانید آن سمت هم بعد خوانده میشود (اظهارات عقیلی پورخوانده شد)

این بیانات را شنیدید چه میگوئید آنها مخالف اظهارات شماست آنهارا هم بخوانند میخوانند جواب این را بگوئید .

بنده تردید دارم از اینکه آنچه در کیفرخواست نوشته شده است مورد تصدیق آقای دادستان است یا نه ـ چرا ازموضوع خارج میشوید

بنده خارج نمیشوم موقعی که آقای مختار خواهش کردند قبل شد برك بازجوئی خوانده شود؛ بنده برعکس تقاضا دارم خود ادعانامه خوانده شود در اینجاعقیلی پور گفته مقتدی دستور داد پس ازآمدن نوکرها رمضان اجازه بدهید برود اینها در بازجوئی وهم در کیفر خواست حاضر است ودر جای دیگرش هم نوشته است ربابه که فعلا در این تالار است گفته [illegible] بیخ بهمان ترتیب که خوابیده بود خوابیده است و رمضان با مقتدی صحبت نکرد مگر رمضان دوتاست یا مکراظهار ربابه عاری از حقیقت است ؛ واگر عاری از حقیقت است چرا در ادعانامه قید شده و اگر اظهارات او درست است پس اظهارات عقیلی [illegible] درست نیست

(رئیس باشدت) بشما تذکر میدهم باز خارج میشوید ربابه ورمضان چکار دارید محکمه درموقعش توجه می کند این بیان کاشف است از اینکه [illegible]نوکران خزعل دستگیر شده اندوشما هم آنجا [illegible]اید درست است یا نه ؟

بکلی تکذیب میکنم

پس اینها راعقیلی پور از روی چه چیز گفته ؟

عرض کردم که صفحه ۳۲۲ را بخوانید گفتند [illegible]ن چیزی نیست ـ گفت در پرونده دیباست .

تازه ترین خبرها

جبهه خاور ـ بطوری که از اطلاعات واصله ازجبهه شوروی برمیآید بوضع ارتش سر[illegible] دراین روزهای اخیر درنواحی استالینگرادومنطقه میان کلستکایا و کالاچ چندان رضایت بخش نیست روزنا[مه] های مهم مسکو مانند پراودا وایزوستیا درشماره های خود ارتش سرخ را تشویق به پایداری نموده متذکر گردیده اند که هر یك قدم عقب نشینی در مقابل دشمن متضمن عواقب وخیمی برای کشورا[ست].

آلمانها فعلاهمان نقشهٔ اول خودرا که تصرف استالین گراد وروتز باشد در سر دارند و جبهه استالین گراد باصورت بند های تازه تری به پیکار میپردازند باین معنی که تانکهای خود را ، شکل مثلثی که رأس آن به طرف نیروی طرف قرار می گیرد وپیاده نظام در داخل آن واقع میشود بکار میاندازند .

نیروی شوروی در این جبهه با جدیت هرچه بیشتری دفاع مینماید اعلامیه های رسمی دولت آلمان نیز مشعر براینست که نیروی شوروی دفاع قابل تحسینی درمقابل حریف از خود میکند .

جبهه مصر ـ در این جبهه همان آرامش چند روزه ادامه دارد و عملیات تازه انجام نگرفته است تنها فعالیتی که از طرف نیروی انگلیس مشاهده شده همان بمباران بنادر مرسی مطروح و طبرق است .

خاور دور ـ تدارکات ژاپن برای اقدام بیك حمله بزرگی بر چین موید این عقیده کار شناسان لشگری چین گردیده که ژاپنی ها ضمنا خود را برای حمله بر اتحاد جماهیر شوروی آماده میسازند .

کارشناسان چین بر این عقیده هستند که تا شانزدهم ماه اوت در مرز روسیه و منچوئوکو جنك آغاز خواهد گردید .

کوششهای سیاسی

ساختمان نخستین کشتی هواپیما برامریکائی بعد از واقعه پرل هاربر پایان یافت این کشتی ۲۵۰۰۰ تن ظرفیت دارد و ساختمان آن ۱۵ ماه و سه روز بطول انجامید و نام آن اسکس میباشد و بدون تشریفات زیادی بآب انداخته شد

لرد کارلایل رئیس شرکت حمل و نقل کالا جهت خاور میانه که امروز عازم لندن میباشد پس از مصاحبه با نخست وزیر ترکیه چنین اظهار داشت : امیدوارم که هنگام بازگشت من مقدار حرب[ی] کالا و مبادلات طرفین بیش از پیش فزونی یافته باشد . تا کنون اداره راه آهن ترکیه تقریبا یکملیون و ۵۰ هزار لیره انگلیسی کالا از امپراطوری انگلیس دریافت داشته است .

شرکت انگلیسی حمل و نقل کالا جهت خاورمیانه تصمیم گرفته است برنامه خرید خود را در ترکیه که سال گذشته مقدار آن بچهل ملیون لیره انگلیسی بالغ شده بود ترسعه بخشد .

لردالکساندر وزیر دریاداری انگلیس طی پیامی خطاب باروپا که بوسیله رادیو انتشار یافت اظهار داشت : اکنون رزم دریائی اقیانوس اطلس باندازه سایر صحنه های جنك اهمیت ندارد زیرا این عملیات در جبهه های بسیار پهناوری صورت گرفته است .

الکساندر پس از تذکر اینکه نیروی دریائی انگلیس در غالب دریاهای روی زمین میجنگد از کارکنان کشتیهای بازرگانی انگلیس که در روحیه آنها بهیچوجه فتوری راه نیافته است تقدیر کرد .

بقیه محاکمه مختاری

در پرونده دنیا چه میکنند؟

چه عرض کنم بنده که متصدی پرونده ها نبودم (شروع شد به تفحص اوراق) چه استفاده میبرید از این پرونده بگوئید. بنده معذورم قربان ـ معذور باشید و در دادگاه صریح میتوانید بگوئید بگوئید که مراجعه میشود چه استفاده دارد؟

بخط خود عقیلی نوشته شده است. پس صفحه را میگوئید. کاغذ است قربان. بخوانید!

جناب آقای دادستان دیوان کیفر محترماً خاطر عالی را مستحضر میدارد در چندی قبل در قبال ۲ سال خدمت غفلتاً بنده را دستگیر و زندانی نموده و نسبت بموضوعی که اصلا خبر نداشتم بازجوئی و تعجب مینمودم که چرا این پرسشها را از بنده میکردند در زندان مجرد پس از هر گونه فشار و بازجوئیهای گوناگون پس از مدتی بی تکلیف در نتیجه آقای سلطانزاده بازپرس بنده را احضار فرمودند که استخلاص شما مربوط بسیاست است و باید بگوئید آنچه که باید و منظور است و در آنصورت شما را مستخلص میکنم و باینجهت گفت مقصود از بین بردن مختاری و مقدادی است بنده ام به فرشچی گفتم و هم منظور باز پرس را بعمل آورد و بعد هم عباس منظور باز پرس را بجا آورد و پس از مدتی که ما را نگهداشتند و استخلاصمان را امروز و فردا انداختند با گرفتن کفالتنامه که در پرونده فعلا موجود است، مهذا ما را خلاص نکردند که قصد گرفتن برای بیچاره کردن مقدادی و مختاری بوده است لذا بدینوسیله آنمقام محترم را از جریان امر مستحضر و از عمل فریبانه آقای بازپرس مطلع جریان مفصل با مدارك بعداً بعرض خواهد رسانید.

از این کاغذ میخواهید استفاده کنید که بدستور بازپرس بوده؟

خیر چنین جسارتی را ندارم ولی چون فرمودید که عقیلی پور اظهار کرده است خواستم تذکر دهم که عقیلی پور چنین اظهاری هم کرده است. وقتی که آنروز فرشچی گفت فرمودید چرا بآقای دادستان نگفته اید؟ حالا عرض میکنم که بدادستان هم گفته شده است و اگر مورد توجه واقع شده، که امری طبیعی است و کاری نداریم.

یکربع تنفس داده شد.

بعد از تنفس

در ساعت ... یافت.

تحقیقات از مقدادی بر... [illegible]

بیانات حسینقلی فرشچی برای مقدادی خوانده شد.

چه دفاعی دارید چه میگوئید؟

گذشته از اینکه خود فرشچی اینها را تکذیب کرده دادگاه و عقیلی پور هم بشهادت صفحه ۳۲۲ و عباس بختیار هم روز سه شنبه گذشته تکذیب کرده و بکلی آنرا رد میکنم.

اظهارات عباس بختیاری از روی پرونده برای مقدادی خوانده شد.

اینهم بیانات عباس بختیاری است چه میگوئید؟ در ادعا نامه گفته شده است که برحسب دستور مختار عباس بکار آگاهی آمده و بدستور نبوده. بنده از آقای سرهنگ سبیعی که تشریف داشتند و آقای سرهنگ شوکت و آقای سرهنگ حسام وزیری تقاضا کردم پرونده ها و اسناد لازمه را در اختیار بنده بگذارند ولی اجازه ندادند ولی روز پنج شنبه زیر نظر آقای ضیائی با ۵ دقیقه نظر به پرونده ها تمام اتهامات ده ماهه را رفع کردم. از این موضوع از ریاست عالی دادگاه خیلی متشکرم، طبق نامهٔ شماره ۲۲۰۶۹ تاریخ ۲۸ر۵ر۱۶ مینویسد با انتقال سرپاسبان ۱ عباس بختیاری بدایره سیاسی موافقت دارم با امضاء بشر یعنی پاشاخان است و نامهٔ شماره ۲۲۱۵۳ مورخه ۳۰ر۸ر۱۶ ...

حاضر نیستند با من کار بکنند ـ (این جواب من نیست جواب من را بگوئید شما هرچه حقیقت است میتوانید بگوئید.

بنده خیلی مفتخرم که یك ایرانی هستم و در دادگاهی محاکمه میشوم که ایرانی است ما یك دعوائی داریم بین خودمان بالفرض که بنده محکوم شوم یا تبرئه لوفرض که محکومیت بنده باعث خشنودی مدعیان خصوصی شود باز هم خوشحالم ولی اگر لازم شود مثل روز گذشته اسمی برده شود و اسمی خارجی باشد بدانند که ما در دادگاه خودی محاکمه میشویم و اظهار خارجی ندارم ولی چون فرشچی گفته اند که برای فرار مفتی اعظم فلسطینی این اتفاقات باعث شده مضافاً باینکه در اظهارات آقای مختار تصریح شده بخصوص که در ۱۳۱۸ وزارت کشور ابلاغی صادر کرد که مفتی اعظم باید به یزد تبعید شود آقای رادسر بدون هیچ پرسش و بازجوئی نوشته اند مسئول فرار مفتی اعظم مقدادی است و در صورتیکه در آن مدت بنده مریض بودم و مفتی در اوایل شهریور فرار کرده است بنده نمیگویم باین مناسبت تحت تعقیب قرار گرفته ام ولی سوء ظنم زیاد شد ولی از آنجائیکه شنیدم متفقین در امور داخلی مداخله ندارند بنده خاطرم جمع شد.

راجع بقتل فیروز چه اعتقادی دارید آیا بمرك طبیعی مرد یا خیر؟ بنده چون مسلم هستم عرض میکنم ولو کنت و اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر

شما کلیه جرائمی را که بشما منتسب است باید تصدیق کنید یا تکذیب جواب را واضح بدهید.

عقیلی پور و فرشچی و بختیاری برحسب امر اداره رفته اند و سوابقش هم در کارگزینی است که سه نفر سرپاسبان کما فی السابق بسمنان اعزام شوند که تحت امر رسدبان سوم فولادی بمراقبت فیروز مشغول شوند منتها اینجا بجای امضای عبدالله سیف که در اصل بوده عبدالله مقدادی را آورده اند و اصل نامه بشماره ۱۹۸۶ بتاریخ ۵ر۱۰ر۱۳۱۶ بمهر دایره سجلات الساعه در پرونده بختیار بایگانی و در اختیار دادگاه است نامهٔ که در کیفر خواست و شماره هایش قید شده و گفته اند بامضاء مقدادی بوده در صورتیکه اصل نامه موجود است و هیچکدام بامضای بنده نیست این از مواردی نیست که بگوئیم ماشین نویس اشتباه کرده اینها جاییست که تاریخ و اسم و رسم و همه عوض شده بعلاوه همه آنها در اداره دادگاه است و الساعه ... است فقط تقاضا ...

و موضوع ندارد و ...

چرا این عکسها در روزنامه ها منتشر شده اینها را از کجا آورده اند نباید چنین اختلاف مبینی در بین باشد اینها بموقع رسیدگی خواهد شد. انشاء الله ـ شما از رفتن این سه نفر بسمنان اطلاع دارید بله زیرا از اداره سیاسی نامه هایش فرستاده شد بعلاوه عده تحت نظر بودند بطور غیر محسوس مثل اینها که سعی میشد که نامه محرمانه باشد و کسی هم خبر نداشته باشد حالا اگر میفرمائید چه علت داشت از اداره مربوطه بپرسید ـ مگر تبعید فیروز محرمانه بود؟

مرحوم فیروز از رجال بزرك و سرشناس این این کشور بوده ولی بامر پادشاه وقت جلب شد بازداشت شد تبعید شد این امر بموجب امر پادشاه وقت و ابلاغ آن بامر سرپاس مختار و بازجوئی در اداره سیاسی تحت ریاست سرهنك سیف شد و بعد هم تبعید شد و بنده هم از هیچکدام خبر ندارم منتهی به بنده هم گفتند دو نفر از مامورین شما برود و آخرین باور ارشدی که آنجا بوده سیف الله فولادی بوده و او هم تحت امر سر کلانتری بود فولادی گفته که مقدادی در مراجعت از من پرسید برای چه آمدی گفتم برای عرض مطلبی بسرپاس است حال که او اینقدر بسرپاس نزدیك بود و هرچه میخواست باو میگفت دیگر ممکن بود هرچه موضوعات محرمانه هم باشد بهم بگویند!!

خود فولادی بیاناتی دارد از اطلاع شما و میرساند که قضیه مقدماتش با اراده مختار و دخالت شما انجام شده نسبت باظهارات او چه میگوئید؟

خلاف اظهارات فولادی از اختلاف گوئیهای او کاملا واضح است راجع بچیز هائی که در موضوعات مختلف گفته کاری ندارم ولی آنچه که تماس بامن دارد بکلی عاری از حقیقت است

در مورد اظهارات عقیلی پور و فرشچی و و بختیار هم لابد همینها را میگوئید؟

خیر فولادی گفته هایش را تکذیب نکرده درصورتیکه اینها تماماً را خودشان تکذیب کرده اند و (پس از آن چند دقیقه صحبتهای خارج از موضوع دیگری نمود تا بانذکر آقای رئیس دادگاه وارد اصل قضیه شده) و اظهار داشت مرحوم فیروز مریض بوده و از کاغذهایش پیداست ولی راجع بدرگذشتش بنده معذورم.

پس شما هم عقیده ندارید که بمرك طبیعی فوت کرده؟

خیر چنین اظهاری نکردم ولی در پرونده معلوم است که مدتی بود مریض بوده

وجوهی بعنوان انعام و متفرقه داده شده این جریان چه بوده که دستور داده اید در پرونده فیروز هم ضبط کنند؟

بنده چنین دستوری نداده ام،

شما پاکت را دیده اید؟ بله جواب هم عرض کرده ام زیرا پس از آنکه مجموع قبوض که ۵ هزار ریال بوده و مبلغ کامل شد احساس کردم که مبلغ یك چك اداری بوده و خوشبختانه در تمام مدت عمرم تا بحال انعامی نگرفته ام و روی پاکت ف نبوده بلکه خ بوده و خ هم مقصود خرج بوده که در این شعبه شده است و دلیل بنده اینست که تمام تاریخ رسیدها چهار روز و پنج روز بعد از مراجعه است و این قبوضی که نشان داده اند بدون گزارش بود است و اگر تمام فهرستها را برداشته و با قبوض معمولی و تاریخ فوت مردم مطابقه کنند خواهند گفت که این انعام مرك فلان بوده

بحضور آقای رادسر شرفیاب شدم و در باره موضوع مفتی عرض کردم که بنده بیگناهم و کاملا مطمئنم که متفقین با اسرای جنگی خیلی بهتر رفتار میکنند و درحضور سرتیپ شفائی و زند و و هدایت و خواجوی گفت که مقدادی بیگناه است واگر سوءظنی پیدا شده خودم اقدام میکنم مرخص شود و تاکنون درزندان مانده ام و به بازپرس گفتم برای خیرالاموراوسطها بنده را توقیف کرده اید یا باید ازشاه شروع میکرديد یا از مامور مسئول

بسئوال من جواب دهید این وجوه که بعنوان انعام بمصرف رسیده برای چه بود؟

دهنده وجه میتواند بگوید بچه منظوری دادم و گیرنده وجه هم میتواند بگوید بچه منظوری گرفتم بنده نمیتوانم عرض کنم و بموجب تصویبنامه هیئت وزراء جز هیئت وزراء هیچ مقامی نمیتواند در امر وجوه مخفی بازرسی نماید

یکربع بظهر دادگاه ختم و ۵ ساعت تنفس داده شد.

گزارش جهان

خبرگزاری پارس

لندن ـ خبر گزاری فرانسه آزاد اطلاع میدهد در اخباری که از جبهه روسیه میرسد ذکر شده است که آلمانیها برروی رود دن سه چهار پل نصب کرده اند و با وجود مقاومت روسها که دلالت بر رسیدن نیروی کمکی بآنها می نماید هیتلریها میخواهند باز دامنه جبهه را وسیع ترنمایند در جبهه ورونژ ابتکار عملیات همواره دست روسها میباشد ولی این موقعیت و خامت روز افزون تهدیدی که متوجه استالین گراد وقفقاز شده است جبران میکند.

لندن ـ خبر گزاری فرانسه آزاد خبرمی دهد نتیجه آنی ورود سربازان ذخیره مارشال تیمو چنکو بمیدانهای نبرد واقع در پیچ وخم رود دن آن بود که از فشار نیروی آلمان در این ناحیه تا حدی کاسته شد چندین دسته از نیروی آلمان که از رود دن گذشته بسوی استالین گراد حرکت میکردند نابود شدند از طرفی هم بطوریکه دولت آلمان نیز اعتراف میکند مارشال تیموچنکو بسیاری از تانکهای خویش را بکناره خاوری رود دن انتقال داده است این اقدام بسیار مهم است از این عمل واز اینکه نیروی شوروی با وجود عقب نشینی پیوستگی نظام وترتیب خود را از دست نداده اند معلوم میشود که نیروی شوروی طبق نقشه هائی که از پیش تنظیم یافته رفتار میکنند در جنوب رستف رزم در پیرامون با تانیك در گرفته است در منطقه (تسیم لیا نسکا یا) نیروی شوروی مواضع خویش را حفظ کرده و در ناحیه ورونژ بحمله پرداخته اند

لندن ـ خبر گزاری فرانسه آزاد خبر میدهد در مصر پس از آنکه انگلیسها بحمله پرداختند رزم بعملیات نیروی کشتی محدود گردید هواپیماهای انگلیس برفراز خطوط ارتباط نیروی ژنرال رمل باشد تی هر چه تمامتر بعملیات پرداخته و وسایل نقلیه و کشتی های دشمن را که در کرانه لنگر انداخته بودند بمباران کردند.

چونك كينك ـ طبق اطلاع خبر گزاری ... اعلامیه ستاد نیروی هوائی امریکا در ... چنین اشعار ...

(هسن ... حمله بردند هواپیماهای شکاری امریکا سه هواپیمای شکاری ژاپن از نوع (او) را سرنگون کردند

ممکن است چند هواپیمای دیگر ژاپن نیز سرنگون شده باشد.

بمب افکنهای ژاپن بهدف خویش نرسیده باز گشتند.

متعاقب این حمله دیروز بامداد هواپیما های دشمن بحمله دیگر پرداختند وطی آن هواپیماهای شکاری امریکا چهار تا از بمب افکن های ژاپنی را که در این حمله شرکت داشتند زیر انداختند

یك هواپیماهای شکاری امریکا هنگامی که قصد فرود آمدن داشت بزمین خورد و درهم شکست ولی خلبان آن جان بدربرد.

(هسن یانك) در کنار راه آهن بین کانتن و هانکئو واقع است.

تهران ـ خبرگزاری انگلیس خبر میدهد پس از آنکه چند تن از وزیران استعفا دادند آقای سهیلی نخست وزیر دولت شاهنشاهی بمجلس شورای ملی حضور یافته واستعفای خویش را اعلام نمودو اظهار داشت که تا تشکیل هیئت دولت جدید وزیران امور مربوطه را انجام خواهند داد.

از قرار معلوم این بحران کابینه جنبه داخلی دارد.

قاهره ـ خبرگزاری انگلیس خبر میدهد روز آدینه ستاد ارتش انگلیس اعلامیه ئی بشرح زیر انتشار داد. شب سی ام ژوئیه کشتی های سبك مادر تمام مناطق نیروی دشمن را بستوه آوردند بجز عملیاتی که آنها نمودند دیگر نیروی زمینی بهیچ ... نداشت.

... محدود بعملیات هوا ...

مسکو ـ خبرگزاری سوروی ... مکرر یکف یکی از دهقانان مزارع اشتراکی قصبه (بتاکشنو) واقع در ناحیه لنین گراد که موفق بعبور از خط جبهه شده و بمواضع ما رسیده چنین اظهار داشته است.

عده زیادی از زنان و کودکان ومردان وزنان سالخورده ساکن آن قصبه از شدت شکنجه وعذابی که آلمانیها بآنها میدهند بدرود زندگانی میگویند اولیای امور آلمان مزرعه دوئتی (پرپوتیه) و باصد دهقان ساکن قصبه های مجاور را به (بارن هیلمون) سپرده اند.

این دهقانان از سپیده دم تا شامگاهان برای (بارن) کارمیکنند بدون آنکه مزدی دریافت ارند وبارن پیوسته بآنها توهین میکند.

لندن ـ خبرگزاری فرانسه آزاد خبرمیدهد با وجودیکه در عرض این هفته هامبورك باردیگر بمباران گردید آلمانیها طی تبلیغات خویش میکوشند مردم را وادار بقبول این نکته نمایند که طی حمله ئی که بوسیله پنجاه وحد اکثر هفتاد هواپیمای آلمانی بر بیر منگام شد نتیجه ئی داد که از حدود پیش بینی خوشبین ترین اشخاص متجاوز بود.

این نخستین بار نیست که آلمانیها در ذکر اهمیت حملات هوائی خویش برانگلستان راه مبالغه میپیمایند و حال آنکه کشور خودشان مورد سخت ترین حملات هواپیما های انگلیس قرار گرفته است

لندن ـ اعلامیه وزارت هواپیمائی انگلیس چنین اشعار میدارد. عصر روز آدینه هنگامی که چند دسته بزرك ازهواپیما های انگلیسی بر فراز شبه جزیره (کوتانتن) و (برتانی) پرواز میکردند یك دسته ازهواپیماهای نوع (بستن بهمراهی چندین هواپیماهای نوع (اسپیت فایر) برحوضچه های سن مالو حمله بردند. تمام هواپیماهای انگلیس بایستگاههای خود باز گشتند.

مسکو ـ خبر گزاری انگلیس خبر میدهد طبق تلگرافی که از جبهه مسکو مخابره شده طی نبردیکه برای تصرف یك مبداء حمله درپائین رود دن درگرفت یك هنگ از نیروی آلمان بکلی منهزم شد

یك گردان از نیروی پیاده شوروی ازاوضاع درهم برهمی که بر اثر حمله هواپیما های شوروی برآن مبداء حمله آلمان ایجاد شده بود استفاده کرد و از پل کشتی که آلمانیها ساخته بودند عبور کرده بکناره رود رسید نیروی دشمن را متفرق ساخت وقسمت بزرگی از هنك توپخانه وی را نابودنموده وعده ئی اسیر گرفت.

لندن ـ خبرگزاری انگلیس خبر میدهد دیشب یکی از شهر های نقاط باختر (میدلندز) مورد شدیدترین حملات نیروی هوائی دشمن قرار گرفت بطوریکه حمله ای باین شدت از آغاز جنك تا کنون دیده نشده بود هواپیما های دشمن بمبهای آتشزا و بمبهای انفجاری بدان شهر ریختند در چندین نقطه بازار آن شهر حریق برپا شد چندین تن زخمی و بستری گردیدند گمان میرود ۷ تن در زیر آوار مانده باشند و تاکنون چهار تن از آنان نجات یافته اند یکی هم کشته شده است.

لندن ـ طبق اظهار خبر گزاری انگلیس دیشب هشت هواپیمای دشمن بر فراز انگلستان سرنگون گشتند و یکی هم در نزدیکی ایستگاه خود واقع درخاك فرانسه بزیر افکنده شد.

لندن ـ اعلامیه رسمی انگلیس چنین اشعار ...

... هواپیما های ... افکندند در یکی از آن نقاط مختصر زیانی وارد آوردند وچند تن را کشته و زخمی نمودند نه هواپیماهای دشمن سرنگون گشتند.

مسکو ـ خبر گزاری انگلیس خبر می دهد اوضاع نیروی شوروی درجنوب و جنوب شرقی با تالیك بسیار وخیم است گو اینکه دریکی ازمناطق کوچك نیروی شوروی اوضاع خود را بهبودی بخشیده باشند.

طبق تلگرافی که خبر نگار روزنامه ستاره سرخ از جبهه مخابره کرده است بسیاری از واحد های ما تماس خویش را با دشمن قطع کرده و مواضع نوینی بتصرف آورده و بحملات متقابل پرداخته اند.

توانائی نیروی ما در پایداری موجب شگفتی فوق العاده آلمانیها گردیده ولی تانکهائی که بعنوان نیروی کمکی برای آلمانیها رسیده در مواضع دفاعی ما راه یافته و در آنجا نبردی در گرفته که چندین ساعت بطول انجامیده است چند تا ازواحد های ما ناگزیر بعقب نشینی شده اند.

آلمانیها طی حمله نوین خود بر استالین گراد صورت بندی جدیدی معروف بصورت بندی قالانژ باتوجه تیغی بکار میبرند بدین طریق که بجای آن که تانکها مقدم بر همه درجبهه بهناوری پیش روند وسپس پیاده نظام در تعقیب آنها حرکت کنند تانك ها سه گوشه ئی تشکیل داده ونیروی پیاده نظام در وسط آنها قرار گرفته اند.

از این اقدام جدید نیز آلمانیها نتیجه ئی بدست نیاورده اند زیرا توپخانه شوروی تانکهائی را که در سر دسته ها حرکت میکردند مورد شلیك سخت قرار داده و ۹ تا از آنهـا را به تندی تمام نابود نموده اند.

بنا بر این یك قسمت از نیروی پیاده بدون حامی باقیمانده ومورد گلوله باران توپخانه شوروی قرار گرفته اند.

دراین هنگام سربازان سرخ مسلح بتفنگهای ضد تانك با پشتیبانی توپخانه وارد میدان کار زار گشته و در عین حال بر تانکها ی ... انی حامی آن دسته (جوجه تیغی) حمله برده وآنها را ناگزیر بعقب نشینی نموده اند.

نیروی پیاده شوروی با پشتیبانی توپخانه بسهم خود بحمله پرداخته ولشگرهای پیاده آلمان را عقب نشانیده و تلفات سنگین بآنها وارد آورده اند

آگهی تسلیت

مرك شادروان حاجیه خانم مادر سر کار سروان نصیری را بعموم باز ماندگان آن خانواده محترم بویژه بانو عزت الحاجیه و سرکار سروان نصیری تسلیت میگوئیم.

ش ۸۶۸ — اقدس الملوك اندیشه ـ محمد سرحدی ـ پرویز اندیشه

آگهی حصر وراثت از دادگاه بخش دزفول

بی بی خورشید تبرك پور دارای شناسنامه شماره ۱۶۹۳۹ دزفول دختر مرحوم سیدعبدالحمید بشرح دادخواست ۶ـ۲۱ جی باتقدیم مستندات لازمه در تاریخ ۹ر۲ر۲۱ در خواست گواهینامه حصر وراثت نموده وچنین توضیح داده است که سید عبدالحسین تبرك پور بشناسنامه شماره ۱۶۹۳۸ فرزند سید تبرك در تاریخ چهارم بهمن ماه ۳۲۰ در دزفول اقامتگاه دائمی خود مرده ووارث آن مرحوم عبارت از بی بی خورشید خواهان عیال دائم وسید حسن تبرك پور دارای شناسنامه ۱۶۹۴۰ دزفول پسر او می باشد گواهانی نیز در این زمینه اداء گواهی نموده اند لذا مراتب سه دفعه پی در پی ماهی یکمرتبه در مجله رسمی وزارت دادگستری وروزنامه پرچم آگهی میشود وپس از انقضاء سه ماه از تاریخ نشر اولین آگهی در صورت نبودن معترض ونرسیدن اعتراض گواهینامه مورد تقاضا داده خواهد شد ضمنا هرکس وصیتنامه از متوفی نزد اوست درمدت سه ماه باین دادگاه بفرستد وپس از گذشتن سه ماه وصیتنامه (جز رسمی وسری) ابراز شود از درجه اعتبار ساقط خواهد بود.

شماره ـ ۷۶۲

نوبت دوم ۱۰ر۵ر۲۱ — رئیس دادگاه بخش دزفول ـ مجید نورماه

از نمایندگان پرچم

در تبریز آقای حسین حسین زاده فرد ـ در رضائیه آقای رضا شمسی میباشند

آگهی حراج

چون مدتی است از تاریخ باز داشت اموال آقای حاجی محمدعلی خیاط زاده وآقاتقی پیوك آقا دلال در برابر بدهی مالیاتیکه دارند میگذرد وحاضر بپرداخت آن نگردیده اند لذا اموال بازداشتی که عبارت از یکدستگاه تلفون ویك تخته قالی ،شك آبادی زمینه لاکی ویکعدد صندوق آهنی ومقداری جوهر لیمو میباشد روز شنبه ۷ شهریور ماه سال جاری دو ساعت قبل از ظهر در سبزه میدان بمزایده گذارده خواهد شد.

ش ۸۶۷ — اجرای اداره مالیات مستقیم

شماره ۱۷۰۲ ۱۷ر۳ر۳۲۱

آگهی

در پیرو شماره راجع به ثبت عمومی املاك واقعه در قطعه سه بخش ۳ دزفول که حدود قطعه مزبور در آگهی نامبرده مندرج است اینك صورت املاکی که تاکنون تقاضای ثبت شده وقبانی که اظهار نامه آن برنگشته و مجهول المالك است برحسب دستور ماده ۱۱ و ۱۲ قانون ثبت اسناد و املاك بشرح زیر آگهی میشود .

۱۷۸۵ آقای اسدالله فتحی ۳۴٤ سهم و ٤ پنجم سهم و بانو زهرا بیگم شریعت ۱۹ سهم و نیم و خانم خدیجه طاهرهٔ دزفولی ۲۵ سهم مشاع ازمقسم ۵۷٦ سهم آب و زمین معروف ربع بند بال بقیه مجهول

۱۷۸۵ آقای اسدالله فتحی ۵۱۰ سهم ۷ بیست و چهارم سهم و بانو زهرا بیگم شریعت ۹سهم و ربع و خانم خدیجه طاهرهٔ دزفولی ۱۲ و نیم مشاع از ۵۷٦ سهم یکدره باغ در ده ربع بندبال بقیه مجهول باگواهی باینکه تمام مورد ثبت اسدالله فتحی از پلاك ۱۷۸۵ و ۱۷۸۵ - ۱ فرعی طبق سند رسمی برای مدت پنجماه خورشیدی در مقابل هشتاد ویکهزارشصد ریال نزد آقای عبدالکریم حسینیان بیع شرط میباشد نیز تمام مورد ثبت زهـرا بیگم شریعت از پلاك‌هـای نامبرده طبق سند رسمی در مقابل مبلغ دو هزار و سیصد ریـال برای مـدت دو سال شمسی نزد آقای اسدالله فتحی برهن میباشد

۱۷۸٦ و ۱۷۸٦-۲ و ۱۷۸٦-۳ احمد منتقم ۳ سهم مشـاع از ۵۷٦ سهم آب و زمین معروف بند بال و یکباب قلعه و یکباب باغ

۱۷۸٦ آقای عنایت‌الله طهماسبی ۳ سهم ۱۳ بیست و چهارم سهم از مقسم ۱۸ سهم و احمد منتقم ۵۲ سهم از ٤۱۲ سهم آب و زمین ده معروف بندبال بقیه مجهول

۱۷۸٦ - ۱ آقای عنایت الله طهماسبی ۹ بیست و چهارم سهم از ۱۸ سهم و احمد منتقم ۳ سهم مشاع از ۲۱٦ سهم یکباب قلعه رعیتی معروف قلعه نو در اراضی بندبال

۱۷۸٦ -۲ احمد منتقم ٤۹ سهم از ۲۲٦ سهم و عنایت‌الله طهماسبی ۳ سهم چهار بیست و چهارم از ۲۸ سهم یکباب قلعه رعیتی معروف به هشدردر ربع بندبال

۱۷۸٦-۳ احمد منتقم ۵۲ سهم مشاع از ٤۱۲ سهم و عنایت‌الله طهماسبی ۳ سهم سیزده بیست و چهارم سهم از ۱۸ سهم یکدره باغ معروف بورنظر

۱۷۸٦ -٤ آقای عنایت‌الله طهماسبی ۹ سهم از ۲٤ سهم یکقطعه زمین جای باغ قدیم که قسمتی از آن مشجر و محصور و قسمتی غیر مشجر و غیرمحصور است واقعه در اراضی بندبال با حق‌الشرب ازشهر بندبال بقیه مجهول

۱۷۸٦-۵ آقای شکرالله رفعت ۳ سهم ٤ پنجم سهم مشاع از ۲٤ سهم یکباب واقع دراراضی بندبال بقیه مجهول

۱۷۸۷ -۱ آقای عنایت‌الله طهماسبی ۳ سهم و ۱۳ بیست وچهارم سهم از ۱۸ سهم و احمد منتقم ۳ سهم از ۵۷٦ سهم ونیز احمد منتقم ۵٦ سهم بـا ٤۱۲ سهم ششدانگ آب و زمین ده معروف بچیان با حق الشرب از نهرخان بقیه مجهول

۲۷۸۷ -۱ آقای محمد جواد معزی ٦ سهم وشکرالله رفعت ۳ سهم و کاظم طهماسبی ۱۵ سهم مشاع از ۲٤ سهم یکباب آسیاب معروف آسیاب ناظری استفاده از نهر قلعه قاضی و نهر نبوار

۱۷۸۸ سیدمحمدجواد فاطمی ۸ سهم ومحمدعلی حاجی شیخ ومرتضی حاجی شیخ هریك ٦ سهم مشاع از ۲٤ سهم آب وزمین اراضی معروف محمدرضا بیکی واقعه در قریه سید بقیه مجهول با داشتن نهر اختصاصی که منتهی بنهر اشتراکی الیاس می شود که طبق معمول محل انهار مذکور از رود خانه دزفول مشروب می گردند بـا گواهی باینکه مورد ثبت سید محمد جواد فاطمی حبس بر اولاد ذکور می باشد .

۱۷۸۸-۱ سیدمحمدجواد فاطمی ۲۲۸ سهم و ۱٦ بیست و چهارم سهم ومحمد علی حاجی شیخ و مرتضی حاجی شیخ هریك ۹٦ سهم مشاع از ۵۲۵ سهم آب وزمین اراضی معروف مردابکش واقع در قریه سید باداشتن نهر اختصاصی که منتهی بنهر اشتراکی الیاس میشود طبق معمول محل انهارمذکور ازرودخانه دزفول مشروب میگردد و باگواهی باین که ۲۹٤ سهم ازمورد ثبت سید محمد جوادفاطمی حبس بر اولاد ذکور میباشد .

۱۷۸۸ر۲ آقای خیر علی کرمی قلعه سیدی اعیانی یکباب خانه در قلعه سید

۱۷۸۸-۳ محمد علی حاج شیخ ومرتضی حاجی شیخ بالسویه ۲٤۰ سهم ازمحمد جواد فاطمی ۱۱٤ سهم ۸ بیست وچهارم سهم از ۵۷٤ سهم یکدره باغچه جدید درقریه سید بقیه مجهول با داشتن حق الشرب از انهار قریه با گواهی باینکه ۹٦ سهم از مورد ثبت محمد جواد فاطمی حبس بر اولاد ذکور میباشد

۱۷۸۸-٤ آقای محمد علی حاجی شیخ و مرتضی حاجی شیخ بالسویه ۱۲ مشاع از ۲٤ سهم یکدره باغ معروف قاضی در قریه سید بقیه مجهول

۱۷۸۸-۵ آقای محمد علی حاجی شیخ و مرتضی حاجی شیخ بالسویه ۸ سهم وسید محمد جوادفاطمی ۸ سهم مشاع از ۲٤ سهم یکدره باغ بزرك واقعه درقریه سید بقیه مجهول با داشتن حق الشرب ازانهار قریه سید که بوسیله نهر اختصاصی مشروب میگردد با گواهی باینکه مورد ثبت سید محمد جواد حبس بر اولاد ذکور میباشد

۱۷۸۸ - آقای محمد علی حاجی شیخ و مرتضی حاجی شیخ باالسویه ۲٤۰ سهم و سید محمد جواد فاطمی ۳٦ سهم ۱٤ بیست وچهارم سهم از ۵۷۹ سهم قلعه مخروبه در قریه در قریه سید بقیه مجهول

۱۷۸۸ - ۷ آقای محمدعلی حاجی شیخ و مرتضی حاجی شیخ بالسویه ۲٤۰ سهم و سید محمد جواد فاطمی ۱۲۸ سهم ۱٦ بیست وچهارم سهم مشاع از ۵۷٦ سهم قلعه جدید در اراضی قریه سید بقیه مجهول باگواهی باینکه ۱۹۲ سهم از مورد ثبت سیدمحمد جواد حبس بر اولاد ذکور میباشد

۱۷۸۹ و ۱۷۸۹ر۱ آقای سید عبدالرزاق سید اشرف ۸ سهم ٤ بیست‌چهارم سهم ومرتضی‌حاجی شیخ ۳ سهم ۲۰ بیست‌وچهارم سهم و غلام حسین ارشدی و حاجت ارشدی هر یك ٤ سهم مشاع از ۲٤ سهم ٦ دانك آب و زمین ده انجیرك ویکدره باغ که درده مرقوم واقع است بقیه‌مجهول باگواهی باینکه مورد ثبت غلامحسین ارشدی طبق‌سند رسمی برای مدت دو سال و هفت ماه شمسی از تاریخ ۳۰ر۲ر۲۰ در مقابل مبلغ ده هزار ریال نزد عبد المحمد مجدی بیع شرط میباشد

۱۷۹۰ر۱۷۹۱ر۱۷۹۲ خانم عالیه مفید ٤ سهم مشاع از ۲٤ سهم آب و زمین قراء معروف بخلفه و قلعه قاضی اخیرآباد متصلات بقیه مجهول

۱۷۹۰ر۳ سیدمحمد جواد فاطمی ۱٤ سهم مشاع از ۲٤ سهم یکقطعه زمین معروف جای باغ محمد علی بیکی بقیه مجهول باگواهی باینکه ۸ سهم از مورد ثبت حبس بر اولاد ذکور میباشد

۱۷۹۰ چهارم خانم عالیه مفید ۲ سهم مشاع از ۲٤ سهم یکباب آسیاب در خلفه بقیه مجهول

۱۷۹۱ و۱۷۹۲ر۳ خانم عالیه مفید ٤ سهم مشاع از ۲٤ سهم هر یك از دره باغ متصلات بقیه مجهول

۱۷۹۲ر۱ و خانم عالیه مفید چهار سهم از ۲٤ سهم یك دره باغ خیرآباد در اراضی خیرآباد بقیه مجهول

۱۷۹۳ آقـای جلال معزی ۱۵۰ سهم و بیست و چهارم سهم و محمد علی معزی ۱۳۲ سهم وثلث سهم و سید صدرالدین ظهیرالاسلام زاده ۵٦ سهم و ۲۰ بیست و چهارم سهم از ۵۷٦ سهم اراضی قبیطی بقیه مجهول .

۱۷۹٤و۱۷۹٤ر۱ و۱۷۹٤ر۲ و۱۸۹۹ و ۱۷۹۹ر۱ و ۱۷۹۹ر۲ و ۱۸۰۳ و ۱۸۰۳ و ۱۸۰۳ر٤ آقای حسین ظفر ٤ دانك ومنوچهر اسعد یکدانك وسهراب اسعد بختیاری وفخرقاجار امیرنظامی هر کدام نیمدانك ازششدانك هریك از آب وزمین قریه نجف‌آباد و توابع آن که عبارتند از آب وزمین نیه مزرعه وحید ویکدره باغ وآب و زمین قریه خسرو آباد و یکدره باغ و یکباب آسیاب و زمین قریه کوتیان و یکباب قلعه رعیتی معروف‌باین‌آباد ویکباب‌قلعه اربابی‌معروف‌باین‌آباد و یکباب قلعه اربابی معروف بقلعه خانی و یکدره باغ بزرك که مشتمل بر ٤ باغ و متصل بهمدیگر میباشند و یکباب آسیاب با کلیه توابع ولواحق و متعلقات بانضمام‌عرصه و اعیانی خانهای رعیتی قراء فوق‌الذکر و اشجار و انهار و غیره با حق‌الشرب از رود خانه دزفول بوسیله نهر اختصاصی معروف به نهر کوتیان با گواهی باینکه منافع یکدانك از مورد ثبت حسین ظفر مادام الحیوة متعلق به آقای محمد قلی اسعد بختیاری است .

۱۷۹٦ آقای آصف دو دانك ومجید سرتیپ زاده و خسرو (خسرویان) و کاظم سرتیپ زاده دزفولی وشکرالله رفعت هر یك یکدانگ‌مشاع از شش دانك آب و زمین قریه معروف بیابان اسد خان .

۱۷۹۷ آقای حسین (ظفر) ٤ دانك و منوچهر اسعد ۱ دانك وسهراب اسعد بختیاری وفخرقاجار امیر نظامی هر کدام نیم دانك مشاع ازششدانك آب و زمین قریه سالار آباد مشتمل برقلعه رعیتی و مزرعه معروف قبه و اسدیان با چشمه سلیمه و حق الشرب ازنهر کوتیان با گواهی باینکه منافع ۱ دانك ازمورد ثبت‌حسین ظفرمادام‌الحیوة متعلق به آقای محمدقلی اسعد بختیاری میباشد .

۱۷۹۸ آقای محمد علی نظام مافی و محمد تقی نظام مافی‌هریك ٦ سهم‌وخانم معصومه(قراگوزلو) ۳ سهم و خدیجه سلطان نظام مافی ۹ سهم مشاع از ۲۵ سهم‌آب وزمین قریه معروف به‌قریه عبدالشاه که مشتمل است بریکباب قلعه و نهر اختصاصی که به نهر اشتراکی قلعه عبدالشاه و علی کولی زاده که چهار سهم ونیم از ۲٤ سهم اشتراکی‌مذکور متعلق به مورد ثبت و ۳ سهم از ۲٤ سهم نـهر اشتراکی معروف نهر کلنکان طبق معمول محل انهارمذکور از رودخانه دزفول مشروب میگردند

۱۸۰۱ آقای عباس (آصف) ۲ سهم دوثلث سهم ومجید (سرتیپ زاده) ۳ سهم ثلث سهم وحاج سیدمعصوم (شاهرکنی) ۷ سهم ثلث سهم و سید علی (یوسفیان) ٦ سهم ثلث سهم وسید عبدالحسین (یوسفیان) ۵ سهم ثلث سهم مشاع از ۲٤ سهم آب و زمین قریـه معروف به قلعه نو عسکر بقیه مجهول

۱۸۰۱ر۱ آقای عباس آصف ۲ سهم و ۲ سوم سهم و مجید سرتیپ زاده ۳ سهم و ۱ سوم سهم وحاج سید معصوم شاه رکنی ۷ سهم ۱ سوم‌سهم وسید علی یوسفیان ٦ سهم و۸ بیست وچهارم‌سهم وسید عبدالحسین علی یوسفیان دو سهم و۸ بیست وچهار سهم از ۲٤ سهم یکدره باغ درقریه نو عسکر بقیه مجهول

۱۸۰۲ر۱ شکرالله رفعت ۱۰ سهم و۱۸ بیست و چهارم سهم ومجید سرتیپ زاده ۵ سهم ۱۸ بیست وچهارم سهم وعالیه رفعت ۵ سهم و بی بی خارر خانم آصف پور ۱ سهم و نیم و طوبی سرتیپ زاده ۱ سهم مشاع از ۲٤ سهم یکدره باغ در اراضی قرائن

۱۸۰۲ آقای عباس‌آصف وشکرالله رفعت هریك ٦ سهم ومجید سرتیپ زاده ۱۲ سهم از ۲٤ سهم آب وزمین قریه فراش

۱۸۰۲ر۲ آقای شکرالله رفعت ۱۸ سهم ومجید سرتیپ زاده ٦ سهم مشاع از ۲٤ سهم یك دره باغچه در قریه فراش

۱۸۰۲ر۳ آقای شکرالله رفعت وعباس‌آصف هریك شش سهم ومجید سرتیپ زاده دوازده سهم مشاع از بیست وچهار سهم یکدره باغ جدید در قریه فراش

۱۸۰٤ر۱ آقای رجبعلی تبارکی ٤٤۱۳ سهم ۱۸ بیست وچهارم سهم از ۱۳۸۲٤ سهم و سید عبدالرزاق سید اشرف ۵۰ سهم ۲ پنجم سهم و نیز رجبعلی تبارکی وسید عبد الرزاق سید اشرف بالسویه ۳۳ سهم ۳ پنجم سهم وخانم زهرا سلطان حلاج مقدس ۲۳ سهم ۵ بیست و چهارم سهم از ۵۷٦ سهم یکدره باغ در ده علی کولی بقیه‌مجهول

۱۸۰۵ آقای کاظم سرتیپ‌زاده دزفولی وفتح الله گوشکوب هریك ۲ سهم از ۲٤ سهم یکدره‌باغ معروف باندرون

۱۸۰۵ر۲ آقـای محمد علی حاجی شیخ و حسن آصف پور بالسویه ۱۰ سهم و ۸ بیست و چهارم سهم‌مشاع از ۲٤ سهم یکدره باغ معروف‌مسدی

۱۸۰۵ر۳ آقای شکرالله رفعت ۱٦ سهم ومجید سرتیپ زاده وخسرو خسرویان هریك چهار سهم مشاع از ۲٤ سهم یکدره باغ معروف نو ده در قریه قالوند .

۱۸۰۵ر٤ آقای کاظم سرتیپ زاده دزفولی یکدره باغ معروف باغ کله در قالوند

۱۸۰۵ر۵ آقای کاظم سرتیپ‌زاده‌دزفولی ۹ سهم‌و شکرالله‌رفعت سه سهم مشاع از ۲٤ سهم یکدره باغ معروف باغ اتن بقیه مجهول

۱۸۰۵ر٦ آقای شکرالله رفعت ۱۳ سهم ۵ هفتم سهم از ۱٤ سهم و عباس آصف ۲ سهم ازمقسم ۷ سهم یکدره باغ معروف باغ عیدی باحق‌الشرب از نهر قالوند طبق معمول محل

۱۸۰۵ر۷ آقای شکر الله رفعت و کاظم سرتیب زاده دزفولی هر یك یکدانگ‌مشاع از ششدانك ۱ باب آسیاب مخروبه در قریه قالوند بقیه مجهول

۱۸۰٦و۱۸۰٦ر۱ مخدره شاهزاده خانم مستوفی ٦ سهم وسید صدرالدین ظهیرالاسلام زاده و سید عبدالعلی‌ظهیرالاسلام زاده‌وسید شاه‌میرظهیرالاسلام زاده هریك دو سهم و در دانهٔ ظهیر السلام زاده ۱ سهم مشاع از ۲٤ سهم آب و زمین ده معروف بیشه نه و یکدره باغ در اراضی ده مذکور بقیـه مجهول

۱۸۰۷ آقای عبد المحمد مجدی و علی مجدی بالمناصفه ۱۷ سهم آقای نظام الدین مستوفی یك سهم مشاع از ۲٤ سهم آب و زمین ده به ده بر بقیه مجهول

۱۸۰۷ر۱ عبدالمحمد مجدی وعلی مجدی بالمناصفه ۱۸ سهم مشاع از ۱٤ سهم باغ در اراضی دهبر بقیه مجهول

۱۸۰۷ر۲ عبدالمحمد (مجدی) و علی (مجدی) بالمناصفه ۱ باب قلعه در اراضی دهبر

۱۸۰۷ر۳ عبد المحمد (مجدی) و علی (مجدی) بالمناصفه ۱ باب قلعه جدید البناء در قریه دهبر

۱۸۰۷ر٤ عبد المحمد (مجدی) و علی (مجدی) بالمناصفه ده سهم و آقای نظام الدین (مستوفی)دو سهم مشاع‌از ۲٤ سهم یکباب قلعه دراراضی دهبر بقیه مجهول

۱۷۰۸ اداره فرهنك و اوقاف دزفول شش دانك اراضی محمد ابن جعفر

۱۸۰۸ر۱ اداره فرهنك و اوقاف دزفول یکباب بقعه معروف بقعه محمد ابن جعفر

۱۸۰۸ر۲ آقای عبدالمحمد (خوشحال پور) ۱۰٦ سهم و ۲ سوم سهم و دختری (رضا طحان) ۵۳ سهم یك سوم سهم ومنور (غلام سفید) ۵۲ سهم وصفر علی (مرید پور دزفولی) وعلی (جعفرخادم) هر یك ۷۱ سهم و روبخیر (جهاری عدیل) ۳۵ سهم و قدم خیر (جعفرخادم ۱۱ سهم و عبدالحسین (جعفرزاده خادم) و غلامحسین (جعفرزاده خادم) هر یك ۳٤ سهم و زهرا جعفر زاده خادم ۱۲ سهم و حسنعلی پـاکدل و حسین اسد گوساله هر یك ۳۲ سهم و ملك جعفر خادم و فولاد جعفری خادم دزفولی هـر یك ۱٦ سهم ۱ سرم سهم و فـاطمه کره خری و زهـرا لیله چه هریـك ۸ سهم دو سوم سهم از ۵۷٦ سهم یکدره باغچه در اراضی محمد ابن جعفر

۱۸۰۰ حـاج‌محمد جواد فرزانه ۲۲ سهـم از ۲٤ سهم آب و زمین قریه معروف بقلعه شیخ بقیه مجهول مورد ثبت بوسیله انهار اختصاصی از محمد علی کولی وقلعه عبد افشاراز رودخانه دزفول منشعب میشوند طبق معمول محل مشروب میگردد

۱۸۰۹ر۱ آقای حاج‌محمد جواد (فرزانه)۲۳ سهم از ۲٤ سهم یك درب بـاغ در اراضی قلعه شیخ بقیه مجهول

۱۸۱۰ آقای‌عباس‌آصف ۱٦ سهم‌ومجیدسرتیپ زاده و خـروخسرویان و شکرالله رفعت هریك ۲ سهم ۱٦ بست و چهار سهم از ۲٤ سهم اراضی سه کناران ۱۸۱۱ هیبت الله اردشیری ٦ سهم و ٤ بیست و چهارم سهم از ۲٤ سهم و احمد منتقم ٤ بیست و چهارم سهم از بیست و چهار سهم آب و زمین ده معروف به کلملك بقیه مجهول با داشتن حق‌الشرب ازنهر اختصاصی که منتهی‌بنهراشتراکی کلملك بالا وپائین میشود و انهارمزبور طبق‌معمول از رودخانه‌دزفول مشروب می گردد با گواهی بـه اینکه ۳ سهم ۲ بیست و چهارم سهم از موردثبت هیبت‌الله اردشیری طبق سند رسمی

۱۱۸۰ در مقابل مبلغ پانزده ریال برای بدست‌غیر معلوم نزد شرکت کشاورزی خوزستان‌اهوازوثیقه میباشد .

۱۸۱۱ کاظم‌طهماسبی ۷۲سهم احمدمنتقم ۸ سهم۱ پنجم‌سهم وسیدعلی‌یوسفیان ۱۳۵ سهم‌مشاع از ۵۷٦ سهم یکدره باغ معروف باغ کلملك بـا داشتن حق‌الشرب از نهر کلملك بقیه

۱۸۱۱ هیبت الله اردشیری وعبدالله‌اردشیری وسیف‌الله اردشیری‌هریك دوسهم وطوبی‌اردشیری یکسهم مشاع از مقسم ۷ سهم یکدره باغچه در اراضی کلملك بالا شماره های مجهول‌المالك .

۱۷۸۹ر۱ ایمانی ۱ بابخانه

۱۷۸۹ر۲ یکقطعه زمین

۱۷۹۰ و ۱۷۹۰ر۱ دو قطعه زمین

۱۷۹۱ر۱ یکدره باغ

۱۷۹۵ر۱ آب و زمین بیابان ارشد

۱۷۹۵و۱۷۹۵ر۲ دو دره باغ

۱۸۰۰ آب و زمین بالنکون

۱۸۰۰ر۱ یکدره باغ

۱۸۰۰ر۲ یکباب قلعه

۱۸۰۰ر۳ یکدره باغچه

۱۸۰٤ آب و زمین علی کولی

۱۸۰٤ر۲ – ۱۸۰٤ر۳ دو دره باغچه

۱۸۱۲ آب و زمین کرملك یوسفی

۱۸۱۲ر۱ یکدره باغچه

مطابق ماده ۱٦ قانون ثبت اسناد و ا[illegible] هر کس نسبت باملاکی که تقاضای ثبت ش[illegible] خواهی دارد میتواند از تاریخ انتشار اولین آ[illegible] (۱۰ تیرماه ۱۳۲۱ تا ۹۰ روز واخواهی مستقیما باداره ثبت دزفول تسلیم نماید وهرگاه تقاضا کننده و دیگری قبل از انتشار اولین آ[illegible] دعوائی در دادگاه اقامه شده و موضوع در گ[illegible] باشد طرف دعوا یا تقاضا کننده باید ازتاریخ اولین آگهی تا نود روز گواهی دادگاه را بجریان دعوا باداره نامبرده تسلیم نماید و پس انقضاء موعد مذکور املاك فوق بمالکیت تقاضا کنندگان شناخته شده هیچگونه دعوائی پذیرفته نخوا[هد] شد تعیین حدود املاك مزبور مطابق ماده ۱٤ بتر[illegible] شماره با رعایت ماده ۵۱ قانون ثبت بعمل خ[illegible] آمد و واخواهی نسبت بحدود وحقوق مطابق ۲۰ قانون ثبت پذیرفته خواهد شد و درمورد مجهول المالك اشخاص ذیحق برای درخواس[ت] میتوانند بارعایت ماده های ۱۲ و ۱۳ اصلاحی ثبت اظهارنامه خود راعودت داده و درخواست نمایند والابدرخواست‌دادستان شهرستان بنام آگهی وسند مالکیت صادر خواهد شد .

این آگهی درظرف شصت روز سه نوبت بیست روز یکنوبت منتشر خواهد شد

شماره ۷٦۱

نوبت ۳ رئیس ثبت دزفول – مقتد[ر]

آگهی مزایده نمکزار دامغان

اداره امتیازات نفت و درآمد معادن وزارت دارائی بهره برداری نمکزار دامغان در کویر متصله به کویر لوت را برای مدت سه سال بارعایت شرایط زیر بمناقصه میگذارد :

۱ – حد اقل مال الاجاره سه ساله (شامل مال الاجاره و عشور) ۱۲۰۰۰۰ ریال کمتراز آن پذیرفته‌نخواهد شد .

۲ – پیشنهاددهندگان باید مبلغ ٦۰۰۰ ریال بعنوان سپرده بصندوق دارائی تهران باداره امتیازات و نفت و درآمد معادن تسلیم و قبض رسیدآنرا پیوست پیشنهاد خو[د] چنانچه برنده مزایده بخواهد از پیشنهاد خود عدول نماید مبلغ نامبرده بسود دولت ضبط شو[د]

۳ - پیشنهادات باید درپاکت مهر و لاك شده که روی آن جمله (راجع بمزایده دامغان) نوشته شده باشد تاروز پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۲۱ باداره امتیازات و نفت ودرآمد معاد[ن] تهران و یا باداره دارائی محل تسلیم و رسید گرفته شود .

٤ - پیشنهادات رسیده باداره‌امتیازات و نفت و درآمد معادن و باداره دارائی محل درمرکز روز ۲۱ مرداد ۱۳۲۱ باز وخوانده خواهدشد .

۵ – هزینه ثبت قرارداد اجاره و همچنین پرداخت ۵٪ مالیات مزایده بعهده مستاجراست .

٦ – برای کسب اطلاعات بیشتری ممکن است باداره دارائی محل وباباداره امتیازات و نفت و درآمد معادن در تهران مراجعه شود. شماره ۲۱۷٤

۳ — ۵ رئیس اداره امتیازات و نفت و درآمد معادن - فتح الله نفیسی

شماره ۱۳٤ تاریخ ۳ر۳ر۲۱

آگهی

بتاریخ ۲۹ ر ۲ ر ۱۳۲۱ – آقای مصطفی غفاری طبق تقاضا نامه شماره ۱٦ - ۱۱ر۱ر۱۳۲۱ بپیوست برسش نامه و رونوشت مصدق شناسنامه تقاضای تصدیق حصر وراثت نم[وده] بدین توضیح که‌حسینعلی غفاری فرزند مرحوم علی در تاریخ ۳۰ آذر ماه ۱۳۲۰ وفات یافته و[ر]ثه آقایان مرتضی و حسن غفاری پسران و بانو ملیحه غفاری دختر و خانمهای مرضیه عادی و ما[ه] قائمی زوجه متوفی وورات منحصرش میباشند لذا مراتب در مدت سه ماه ماهی یکمرتبه در مجله و وزارت دادگستری و یکی از روزنامه های مـرکز باطلاع میرساند چنانچه کسی نسبت بتقاضای اعتراضی دارد درمدت مرقوم تقدیم و الا پس ازانقضاء موعد گواهی نـامه صادر خواهد شد ونیزدر[صورتی] که وصیت نامه از متوفی نزد کسی‌موجود و تا این تاریخ رسما ابراز وافتتاح نشده در همان‌مدت‌ب[دادگاه] تسلیم نماید و بعداز گذشتن مدت مزبور هروصیت نامه (باستثناء وصیت نامه رسمی و سری) ابراز [شود از] درجه اعتبار ساقط خواهد بود .

نوبت دوم ۱۰ر۵ر۲۱ شماره ۷٦۰

دادرس شعبه یك دادگاه بخش طهران – **عبدالعلی سخائی**

آگهی حصر وراثت از دادگاه بخش دزفول

سید زمان‌حجازی دارای شناسنامه ۲۱۵۳۲ دزفول وگلابتون‌آقاکبی زارع دارای‌شنا[سنامه] ۱۵۸۱۹ فرزندان سید موسی حجازی بشرح دادخواست شماره ۱۳ — ۲۰ در تاریخ ۱۹ر۱۳ر و تقدیم مستندات لازمه و اشعار باینکه بی‌بی آمنه حجازی بشناسنامه ۲۱۵٤۸ دختر سید میرزا مادر[شان] در نهم دیماه ۱۹ در دزفول اقامتگاه دائمی خود مرده وورثه‌اش منحصر به‌نامبردگان است تقاضای گو[اهی] نامه حصر وراثت نموده‌اند پس از استماع گواهی گواهان مراتب سه دفعه پی‌درپی ماهی یکنوبه د[ر] رسمی وزارت دادگستری و روزنامه پرچم آگهی میشود و بعد از انقضاء سه ماه از تاریخ نشر آگهی در صورت نبودن معترض و نرسیدن اعتراض گواهان نامه مقتضی داده خواهد شد ضمنا هر وصیتنامهٔ از درگذشته نامبرده نزد اوست در مدت سه‌ماه باین دادگاه بفرستد و گرنه هر وصیتنامهٔ وصیتنامه رسمی و سری) بعد از مدت مزبور ابراز شود ازدرجه اعتبار ساقط است.

شماره ۷٦۳ نوبت‌دوم ۱۰ر۵ر۲۱ رئیس دادگاه بخش دزفول – مجید

شماره ۱٦۲٤ بتاریخ ۲ر٤ر۱۱

آگهی شماره ۱۱۵-۲۱

بتاریخ ۱٤ر۲ر۱۳۲۱ لیلی فخری مقدم عیال عباس قرچه داغی فرزند احمد بنام اینکه از پنجسال است که از شوهرم خبر وخرجی نرسیده تقاضای طلاق کرده وباین وسیله آگهی میشود هرکس از عباس نامبرده خبری دارد از تاریخ اولین آگهی تـا یکسـال کتباً یاشفاهاً باین دادگاه [اطلاع] دارد واگر در این مدت خبری از جائی نرسد حکم طلاق داده میشود .

نوبت دوم ۱۰ر۵ر۲۱ رئیس دادگاه شهرستان اردبیل **ابوالقاسم وثوق تهرانی**

شرکت چاپخانه تابان